

چهره‌ها

Chehreh Nama

نشریه مرکز زرتشتیان کالیفرنیا
سال سی و نهم
بهار 3759 زرتشتی 1400 خورشیدی

197



نوبت ۱۴۵

فرخنده نوروز ۱۴۰۰ بر همگان خجسته.

گروه مدیران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا گرمترین شادباش ها را به شما هموندان، همکیشان، هم میهنان، پارسی زبانان و همه دل‌بستانان نوروز پیشکش می نماید.

کوشش کردیم در یک سال گذشته با وجود محدودیت های کرونا با برگزاری برنامه های آموزشی، فرهنگی، علمی، و جشن ها و مناسبت های ویژه توسط شبکه های مجازی بتوانیم به هازمان خود خدمت رسانی نماییم.

اکنون که دوره ۲۲ گروه مدیران رو به پایان است از همه هموندان گرامی که توانایی خدمت رسانی به هازمان خوش نام زرتشتی را دارند درخواست می نمایم خود را برای دوره ۲۳ نامزد نمایند و به هرچه پویاتر شدن مرکز یاری رسانند.

در سال نو برای همگان دیرزیوی، تندرستی، به زیوی به همراه شادی خواهانیم

با آرزوی تندرستی برای همگان
گروه مدیران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

اوست نخستین اندیشه گری که با نور خود افلاک را درخشان ساخت و با نیروی خرد خویش قانون راستی بیاورد، تا نیک اندیشان را یار و پشتیبان باشد. ای خداوند جان و خرد و ای کسی که همیشه و در همه حال یکسانی، با روح مقدست فروغ ایمان را در قلب ما برافروز.

یسنا هات ۳۱ بند ۷

شخص گناهکار و گمراه ممکن است چندین بار با کردار زشت خویش، شهرت و آوازه ای به دست آورد ولی ای هستی بخش، تو از روی خرد و حکمت خویش همه چیز را به یاد داری و نسبت به انگیزه هر کسی داوری خواهی کرد. ای خداوند خرد به راستی سرانجام با برقراری سروری آسمانی تو، آیین جاودانی اشا و راستی همه جا حکمفرما خواهد شد.

یسنا هات ۳۲ بند ۶

برگیری از نوشته های چهره نما با چاپ نام نویسنده و نشانی تارنما آزاد می باشد.

چهره نما در گزینش و ویرایش نوشته های رسیده آزاد است و نوشتارهای رسیده باز گردانده نمی شود.

دیدگاه های بازتاب شده در نوشته ها همیشه گویای دیدگاه های انجمن دبیران چهره نما نمی باشد.

چهره نمای مرکز زرتشتیان کالیفرنیا، نشریه ایست دینی، اجتماعی، تاریخی، ادبی و فرهنگی که به هیچ دسته و گروه سیاسی بستگی ندارد.

Trust of Morvarid Guiv
c/o Mina Soroosh

PO Box 49404 Los Angeles, CA 90049

زیر نگر گروه دبیران
گرافیک، رایانه و صفحه آرا: کوبن یکتاهی
تایپ: شبنم پاک سرشت
اینترنت: رامین شهریاری

بهار، اول فروردین آغاز نمی‌شود. بهار از اولین برگ‌ها و اولین شکوفه‌ها آغاز نمی‌شود. بهار وقت خریدن گاهنامه سال نو و جنبیدن مورچه‌ها و پرنندگان هم آغاز نمی‌شود. بهار یک جایی در وجود آدمی است. به درستی آنگاه آغاز می‌گردد که ما دنبال نقطه‌ای برای دگرپرسی می‌گردیم. نمی‌دانیم که فکر می‌کنیم که ورزش را شروع می‌کنیم، دنبال کار دیگری می‌رویم، پسر را می‌پرم کلاس‌های هنری، با همسر آرامتر سخن می‌گویم، عاشق می‌شوم. برای همین برخی در سال چند بهار دارند، برخی هر چند سال یک بهار دارند و برخی هرگز بهار را نمی‌بینند؛ آن قدر که به خوششان و به کارهایشان دل آسوده هستند. بهار همین آن است. همین دم که آدم می‌فهمد زندگی اش چیزی کم دارد. چیزی را باید جابه‌جا کند، چیزی را باید جلوی دست بگذارد. گاهنامه و سبزه و هفت سین همه بهانه‌های این دگرگونی هستند. نشانه‌هایی که آدم‌ها برای خوششان می‌چینند تا یادشان بماند امروز روز موعود است.

ندای هوا و تازگی اش، پوشش زمین، طولانی شدن زمان روشنایی روز و خلاصه آن که روز و روزگار همزمان با نوروژ دگرگون می‌شوند. اما اگر آدمی در فکر و اندیشه خود تغییر و تحولی را تجربه نکند، هیچ یک از این دگرگونی‌های اقلیمی و محیطی نمی‌توانند به تنهایی برایش شادی و نیک بختی به ارمغان آورند. شاید به همین دلیل است که در درازای تاریخ اقوام و ملل گوناگون متناسب با مناسبت‌های گوناگون جشن‌ها و مراسمی برای خویش ساخته‌اند که به آنچه در طبیعت رخ می‌دهد معنایی ژرف ببخشند و از آن بهره ببرند. در ایران باستان نیز چنین نگرشی در بنیان نهادن جشن‌های گوناگون آشکار شده است. البته نوروژ در میان جشن‌های ایرانیان برجسته و جدا بوده و به همین دلیل از همه فراز و فرودهای تاریخی به سلامت گذشته و امروز به دست ما رسیده است. شاید یکی از دلایل ماندگاری جشن باشکوه نوروژ امید است که با خود به همراه می‌آورد. نوروژ جشن امید بخش و امیدآفرین است. امید به آنکه روزگار همیشه بر یک مدار نمی‌گردد. به همین دلیل نوروژ در کنار همه ویژگی‌های بی‌مانندی که دارد، نماد امید به دگرگونی هم به شمار می‌آید. جشنی برای زنده نگه داشتن امید به فردایی روشن، امیدی که با روشنی همراه است. زیرا هیچ زمستانی تاب پایداری در برابر نوازش نسیم بهار را ندارد. زمستان در مواجهه با بهاری که با نوروژ آغاز می‌شود، محکوم به گریز و شکست است. ناگزیر از رفتن است. ظاهراً زمستان می‌رود تا بهار بیاید، اما گویی چون بهار می‌آید زمستان چاره‌ای جز رفتن ندارد. حال که به نوروژ نزدیک می‌شویم باید برویم و ببینیم چه کاری از دستمان ساخته است تا به سهم خودمان دگرگونی برای خویش و دیگران ایجاد کنیم. البته نیک می‌دانم که نیازی نیست این تغییر بسیار بنیادین یا ناگهانی باشد.

دگرگونی‌های کوچک و کم‌کم می‌توانند اثراتی ماندگارتر داشته باشند. همین که تصمیم بگیریم رفتارمان را بهبود بخشیم، جامه‌ای پاکیزه بپوشیم، سنجیده سخن بگوییم، سخنی نو بیاموزیم، کتابی از نویسنده‌ای بخوانیم که تا امروز تنها نامی از او شنیده‌ایم، به دیدن موزه‌ای برویم که هیچگاه وقت دیدنش را نداشته‌ایم، روزی یک پاکت پلاستیک کمتر استفاده کنیم، در محیط زیست آشغال نریزیم و صدها کار دیگر خودش آغازی برای دگرگونی‌های بزرگتر در زندگی است. امید آنکه نوروژ امسال برای شما سرشار از تندرستی، شادکامی و نیکبختی باشد و بتوانید تحول مثبتی را آزمون کنید که خیر و برکت روزافزون به همراه آورد. تا باد چنین باد.

سبز و مانا باشید
جمشید جمشیدی

باران که شدی میرس، این خانه کیست

مهتابی مختار زاده

با سوره‌ی دل ، اگر خدارا خواندی
حمد و فلق و نعره‌ی مستانه یکیست
این بی‌خردان، خویش، خدا می‌دانند
اینجا سند و قصه و افسانه یکیست
از قدرت حق ، هرچه گرفتند به کار
در خلقت حق، رستم و موریانه یکیست
گر درک کنی خودت خدا را بینی
درکش نکنی ، کعبه و بتخانه یکیست

باران که شدی میرس ، این خانه کیست
سقف حرم و مسجد و میخانه یکیست
باران که شدی، پیاله‌ها را نشمار
جام و قدح و کاسه و پیمانہ یکیست
باران! تو که از پیش خدا می‌آبی
توضیح بده عاقل و فرزانه یکیست
بر درگه او چونکه بیفتند به خاک
شیر و شتر و پلنگ و پروانه یکیست

بخش پایانی

یکی از پژوهشگران برجسته‌ی همزمان ما زنده‌یاد عبدالحسین زرین کوب بود که کنکاشهای ارزنده‌ای در باره‌ی سالهای پایانی ساسانیان و دهه‌های آغازین چیرگی اعراب بر فلات ایران انجام داده است. وی نیز انگیزه‌ی برتر اعراب مسلمان را در آفتد به ایران، اقتصادی می‌داند و اینگونه می‌نویسد: " محرک عمده‌ی اعراب در اقدام به این تهاجمات در درجه‌ی نخست بی هیچ تردید فقر و گرسنگی این قوم بود. این گرسنگی هم که اخبار و نشانه‌های بسیار بر وجود آن گواهد است تا اندازه‌ای به سبب افت کشاورزی پیش آمده بود. بویژه که از یک سده پیش به سبب ناتوانی حکومت، وضع آبیاری در جنوب جزیره خلل یافته بود و نفوس انسانی که ناچار از یمین به حجاز مهاجرت کرده بودند در معرض نابودی و خطر بودند و مدتها بود که در جستجوی آب و گیاه، قبایل عرب را از هر جا به سوی مرزهای فلسطین، شام، عراق و سواد می‌راند." هرگاه بتوانیم دانش تاریخ را از چیرگی سنگین تفسیرهایی با آبخشورهای سیاسی

و اعتقادی رهایی بخشیم و تاریخ را نه با عینک ایمانی که با دید تحلیلی بخوانیم و بکاویم، برای بسیاری از پرسشها، پاسخی شایسته خواهیم یافت. از آنجایی که ایرانیان برای چندین سده در زیر چیرگی مستقیم و غیر مستقیم خلافت عربی-اسلامی بسر بردند و با یورش مغولان و در پی از میان رفتن خلافت عباسی، به زیر یوغ کامل دودمانهای زردپوست آسیای میانه افتادند، دیگر هیچگاه به یک نیروی تعیین‌کننده و کشوری مقتدر در رده‌ی جهانی تبدیل نشدند. "آرتور کریستین سن" ایران‌شناس برجسته‌ی دانمارکی بر این باور بود که ناتوانی و افتری که گریبان ایران را پس از فروپاشی ایران ساسانی گرفت نه به این دلیل بود که توان اسلام در استوارسازی بنیادهای اخلاقی و روانی انسانها الزاما کمتر از دین زرتشتی بوده است بلکه دلیل برجسته‌ی زوال ایران پس از آمدن اسلام، افتادن قدرت، حکومت و ساختارسازی جامعه‌ی ایرانی از دست آزادمدان و بزرگان قوم ایرانی به دست عامه که عموماً در همه جا مردمانی کرم‌مايه و یا فرومایه هستند، بوده است. جدا از اینکه با دیدگاه کریستین سن همراه و یا مخالف باشیم، به رویکرد تحلیلی و فارغ از تعصب وی باید ارج نهاد که پدیده‌های تاریخی را با ابزارهای این دانش بررسی کرده است و در پژوهشش، سراغ همه داده‌ها و یافته‌های اجتماعی و سیاسی آن دوران رفته است. این چیزی است که کمتر در کارهای هممیهنان خود در دامنه‌ی پژوهشهای تاریخی و اجتماعی دیده شده است. فارغ از خط و سوی پژوهنده‌ی امروزی، عامل بزرگ دیگری که رسیدن به حقیقت و دستیابی به تصویر روشنی از چگونگی و چرایی این رویداد را سخت و دشوار می‌نماید، ناهماهنگی‌ها و تناقضها در آثار تاریخ‌نگاران مسلمان است. طبیعی است که مهمترین دستمایه‌ی پژوهنده‌ی امروزی، گزارشهای تاریخ‌نگارانی است که در زمانهای نه چندان دور از زمان حمله‌ی اعراب مسلمان به ایران می‌زیستند. راستی و درستی تاریخ‌نویسان مسلمان اگر چه نه در گزارش رخدادها، که در چگونگی انجام رخدادها و بی‌گمان در تحلیل و تفسیر خبر، پرسش‌انگیز می‌باشد. برای بیشتر تاریخ‌نویسان مسلمان، پیروزی اعراب بر ایرانیان، پیروزی دین نوین بر کفر کهن بوده است. از اینرو با دیده‌ی ایمانی و عقیدتی، رویدادهای این بخش از تاریخ را گزارش و یا بازبینی نموده‌اند.

تا ریخ نو یسان مسلمان، از چند دهه تا چند سده پس از رویدادهایی که پیامد آنان اشغال ایران به دست اعراب بود کتابهای خود را نوشته‌اند. چنانچه آثار این تاریخ‌نویسان مسلمان در گزارشهای سده‌های نخستین هجری بازنگری شود، روشن می‌شود که در این گزارشها به بزرگ‌نمایی کیفی و کمی گسترش خلافت

عربی و دین اسلام در ایران پرداخته شده است. گزارشهای گنجانده شده در این متون تاریخی باید با احتیاط و دید انتقادی، بررسی و بکار گرفته شوند. هر کس که با تاریخ و همچنین شماره و رقم سر و کار دارد، آماري را که درباری بزرگی و کوچکی اندازه‌ی لشکرهای درگیر و یا شمار کشته شدگان ایرانی در این گزارشهای تاریخی است، با گمان و تردید می‌نگرد. چند برابر نمودن شمار ایرانیانی که در برابر اعراب جان خود را از دست دادند بخشی از رجزخوانی‌ها و گزافه‌گویی‌های اعراب درباری پیروزی‌هایشان بوده است. نیاز به یادآوری نیست که بازگویی‌های سینه به سینه‌ی این رجزخوانی‌های قبیله‌ای یکی از آبخشورهای گزارشهای تاریخ‌نگاران مسلمان بوده است. برخی از این تاریخ‌نویسان مانند «مقدسی» و «بلادری» که عرب‌گرا بوده‌اند، پیروزی بر ایرانیان را ناشی از دلوری، شایستگی و از جان گذشتگی رزمندگان عرب مسلمان می‌دانند. از سوی دیگر تاریخ‌نگاری دیگر مانند ثعالبی با دست آویز قرار دادن اموری چون خواست خدا، دست سرنوشت و جبر زمانه، از بار سنگینی شکست ایرانیان می‌کاهد و رجزخوانی اعراب را ناسزاوار نشان می‌دهند. برای نمونه، نامدارترین اینان یعنی "محمد ابن جریر تبری" در جای جای اثر نامی خویش یعنی «تاریخ الرُّسل و الملوک»، که با نام تاریخ تبری شناخته می‌شود، از ایرانیان به "مَجوس" یاد می‌کند و واژه‌ی "مردم" را برای مهاجمان عرب بکار می‌گیرد. همچنین برای بزرگ نمودن بیش از پیش پیروزی اعراب، همواره در باره‌ی شمار ایرانیان درگیر در جنگ، گزافه‌گویی می‌کند. برای نمونه، وی بارها به شمار کمتر اعراب در برابر ایرانیان در نبرد قادسیه اشاره می‌کند و حتی ایرانیان را ده برابر مسلمانان برآورد می‌نماید!!



این ملاحظات اعتقادی آنگونه وی را در بند می‌نماید که علت پیروزی اعراب را در فلان نبرد، امداد الهی می‌داند و کشتگان آنان را در اینگونه نبردها شهید می‌نامد. همچنین، تبری داستان گاوی را که با مسلمانان سخن می‌گوید تا جای خود و دیگر دامها را به آنان نشان دهد بازگو می‌نماید و یا «ابن اعثم کوفی» داستان گورخری را می‌نویسد که به‌یزدگرد سوم می‌گوید که به حقانیت اسلام باور می‌آورد.

بی‌گمان، بکارگیری عبارات نه چندان روشنی همچون امداد الهی و یا خواست و اراده‌ی خداوندی در تحلیل پدیده‌های تاریخی، تنها به مبهمات خواننده می‌افزاید و یک نوشتار فنی را به یک رونوشت از موعظه‌های دینی دگرساز می‌نماید. تاریخ تبری و برخی از کارهایی از این دست، افزون بر فرازهای تاریخی، سرشار از مایه‌های استوره‌ای هستند و این، کار را برای پژوهشگری که در زمینه‌ی تاریخ سکولار (و نه استوره و افسانه و نه برگرفته شده از کتابهای دینی) کار می‌کند، دشوارتر می‌نماید.

روشن است هنگامی که تاریخ‌نویس اینچنین به پدیده‌های تاریخی می‌نگرد، برای پژوهنده جهت رسیدن به حقیقت، چاره‌ای جز خواندن میان خطوط گزارشهای تاریخی و ژرف‌نگری در این گزارشها با دیدی انتقادی، نمی‌ماند. آمار غیر راستین همچون بزرگ‌نمایی شمار رزمندگان ایرانی در برابر مسلمانان و یا گرافه‌گویی در باره‌ی دستاوردهای نظامی مسلمانان در گشودن شهرها و استانها و ساخت داستانهای فراقی‌زیکی و معجزه‌دار به عنوان رخدادها تاریخی، از نمونه‌های این‌گونه تاریخ‌نویسی اعتقادی است. از سوی دیگر، چون بیشتر دستمایه‌ی پژوهشگر امروزی همین دسته منابع تاریخی و نیمه‌تاریخی هستند، برای رسیدن به برآیندی منطقی، چاره‌ای جز دوباره خوانی این منابع و مقایسه‌ی

آنان با هم و بازنویسی برخی رویدادها با تعدیل آمار و ارقام، بر جای نمی‌ماند. «تیودور ئلِدک»، ایران‌شناس نامدار دهه‌های آغازین سده‌ی بیستم نیز بر این باور بود که گزارشهای تاریخ‌نگاران مسلمان را باید با تردید و گمانه‌زنی بسیار بررسی نمود زیرا او باورمند به وجود ابهام بسیار در شرایط کیفی و زمانی انجام رخدادها گزارش شده بود. این نکته‌ی مهم همچنین توسط دیگر پژوهندگان معاصر که فارغ از گرایشهای اعتقادی به بررسی فروپاشی ایران ساسانی پرداخته‌اند، شناسایی و گوشزد شده است. شاید نیازی به این گوشزد نباشد که تاریخ تبری که به عنوان نمونه از آن یاد شده است، تنها یکی از چند تاریخ پرآوازه است که در درازای چند سده‌ی نخست هجری در جهان اسلام نوشته شده‌اند و در بیشتر گزارشهای تاریخی دیگر نیز کمابیش از جنگها، غنیمتها، اسیرگیری‌ها، شورشها و سرکوبگری‌ها البته در جهت ستایش از جنگجویان عرب و سرزنش ایرانیان سخن رفته است که از جمله آنها می‌توان از کتابهای تاریخ زیر نام برد:

کامل فی‌التاریخ از ابن اثیر، فتوح البلدان از بلاذری، اخبارالطوال از دینوری، مروج الذهب از مسعودی، مختصرالبلدان از ابن فقیه، البیان و التبیان از جاحظ، البلدان از یعقوبی

افزون بر کارهای بالا، می‌توان از تاریخ قمر از حسن بن محمد قمی، تاریخ رویان و مازندران از ظهیرالدین مرعشی، تاریخ بیهقی، تجارب السلف از هندوشاه نجوان و



خُدود العالم و مُعجم البلدان از یاقوت حموی نیز نام برد که از شمار کتابهای سرآمدی هستند که در باره‌ی دوره‌ی زمانی مورد بررسی ما گزارشهای گاه یکسان، گاه نزدیک و گاه ضد و نقیضی دارند. در کارهایی دیگر همچون فارسانمه از ابن بلخی، تاریخ تبرستان از ابن اسفندیار، زین الاخبار از گردیزی و تاریخ سیستان می‌توان تا اندازه‌ای دوری از ملاحظات اعتقادی و دینی را دید و انصاف نسبی نویسنده را در تفسیر خبر، نگریست.

شایان یادآوری است که برخی از گزارشها و داستانهای آورده شده در دستمایه‌های بالا از نوشته‌های کمرشمار پهلوی در دوره‌ی ساسانی برداشته شده است. برجسته‌ترین این منابع، "خدای‌نامه" است که یک بار در زمان انوشیروان و بار دیگر در فاصله‌ی کوتاهی پس از مرگ یزدگرد سوم گردآوری و به‌روز شده است. این کار بزرگ تاریخی، استوره‌ای و حماسی را که دستمایه‌ی فردوسی بزرگ در ساختن شاهکار وی (شاهنامه) نیز بوده است، «ابن‌مُقَفَّع» در زمان بنی امیه از پهلوی به عربی برگرداند. به نظر می‌رسد همین نسخه‌ی عربی برای نوشتن تاریخ ایران ساسانی مورد بهره‌گیری تاریخ‌نویسان مسلمان قرار گرفته است. گرچه خدای‌نامه آگاهیهای بسیاری در باره‌ی رویدادهای دوره‌ی ساسانیان به تاریخ‌نگاران مسلمان داده است ولی روشن است که در باره‌ی زمان یورش اعراب به ایران که جُستار مورد بررسی ما است، فاقد مطلب بوده است.

شوربختانه به دلیلی که بر نویسنده‌ی این پژوهش نیز روشن نیست، کشورمان در دوره‌ی پیش از اسلام خویش از تاریخ‌نگارانی که جزئیات زندگی مردم این سرزمین و چگونگی و چرایی پیشامدها و رخدادها بزرگ سیاسی و اجتماعی را دنبال کرده و گزارش نمایند، کم بهره بوده است. سد البته منابعی نیز در کوران یورشهای بیگانگان یونانی، عرب،



ترک و تاتار از میان رفته‌اند که ما از وجود آنها در آن زمانها آگاهی داریم ولی در اصل داستان که نبود گزارشهای تاریخی نوشته شده از زبان ایرانیان در باره‌ی ایران است، تغییری داده نمی‌شود. بنابراین ما ناچار به کاوش و بررسی در گذشته‌ی خودمان بر پایه‌ی نوشته‌های دیگران (و در برخی موارد حتی از زبان دشمنانمان) هستیم.

در زمان هخامنشیان و پس از آن اشکانیان، سنت شفاهی و سینه به سینه رواج بسیار داشته است. شفاهی بودن بخشی از تاریخ ایران، این تاریخ را آسیب‌پذیر کرده است. در منابع آمده است که خُنیگران اشکانی، داستانهای شاهان اشکانی و هخامنشی را به گونه‌ی چامه و نوا در کوچه و برزنها می‌خواندند. این سنت تا زمان ساسانیان رواج داشته است. این‌گونه، بخشی از تاریخ هخامنشیان و اشکانیان در یاد مردم تا روزگار ساسانیان برجای ماند.

افزون بر تاریخ نویسان مسلمان (ایرانی

و عرب)، منابع ارمنی، رومی، سریانی و چینی نیز پرتویی بر اوضاع دوره‌ی شاهنشاهی ساسانیان و دهه‌های پایانی آن و یورش اعراب مسلمان به ایران می‌تاباند. گرچه برخی از اینان به دلیل انگیزه‌های سیاسی (مانند رومیان) و یا دشمنی‌های دینی (مانند مسیحیان در نوشته‌های سریانی)، یکسویه و مغرضانه هستند ولی در نگارش یک برداشت درست و راستین از رویدادهای آن زمان، با وسواس و احتیاط می‌توانند بکار روند.

پرسش دیگری که در این جا پیش می‌آید این است که با این که ایرانیان به سختی با اعراب جنگیدند چرا مهاجمان در بیشتر نبردها توانستند ایرانیان را شکست دهند؟ برآستی چرا باید در نبرد دو سوی متمدن و غیر متمدن انتظار داشت که قوم بافرهنگ و توانگر در نبرد نظامی پیروز شود؟ چرا باید چیرگی مردم فقیر و بی‌فرهنگتر بر کشوری مرفه و پیشرفته‌تر، شگفت‌انگیز باشد؟ مگر نه آنکه کسی که از سرزمین نادرتر و زندگی سخت‌تر می‌آید، چیزی برای از دست دادن ندارد و سراپا انگیزه و شور است برای دستیابی به چیزهایی که دشمن توانگر و مرفه‌اش دارد. پس چرا باید از پیروزی اعراب مسلمان بر ایرانیان شگفت‌زده شد و در پی دلایل ایمانی و دینی برای بازبینی این پدیده بود؟ سد البته شکست ایرانیان در برابر اعراب تنها با تکیه بر شکنندگی رفاه و دارایی در برابر سختی و بینوایی توضیح داده نمی‌شود.

«این خلدون» در این باره چنین می‌نویسد: "چون بادیه نشینی یکی از موجبات دلآوری است، بیگمان یک نژاد وحشی از یک نژاد شهرنشین دلاورتر است و بنابراین چنین قومی در چیرگی و غلبه بر خصم و ربودن ثروت‌های اقوام دیگر توانا تر است. هرگاه که بدانیم غلبه و پیروزی ملتها، تنها در پی گستاخی و دلبری میسر می‌گردد، پیداست که قومی که در بادیه نشینی ریشه دارتر و خوی وحشی‌گری او افزونتر از دیگران باشد، در غلبه بر اقوام دیگر توانا تر خواهد بود."

نمونه‌های تاریخی بسیار از چیرگی نظامی اقوام وحشی و بی‌فرهنگ بر مردم متمدن تر و توانگر را می‌توان بیاد آورد. "آتیل" در جایگاه رهبری قوم هون، سرزمین گسترده‌ای را از رود اورال در شمال دریای مازندران تا آلمان در دل اروپا و از دریای بالتیک تا رود دانوب به زیر چیرگی خود درآورد. هونها شهرهای بزرگ روم و قسطنطنیه را محاصره نمودند به‌گونه‌ای که در سال ۴۳۴ رومیها ناچار شدند تا باجگزار هونها شوند تا از دست آنان آسوده باشند. گرچه هونها در سالهای ۴۳۵ تا ۴۴۰ از ارتش ایران ساسانی در ارمنستان شکست خوردند و بدین‌گونه هیچگاه پایشان به ایران نرسید ولی پیشروی این قوم بیابانگرد و بسیار خونریز در زمانی نسبتاً کوتاه در چهارسوی اروپا و پس راندن ارتش روم شرقی (بیزانس) و روم غربی، به روشنی نشان داد که نه تنها برتری تمدن و فرهنگ مردمی بر مردم دیگر دلیل بر پیروزی نظامی آنان نخواهد

خراسان تا اشغال همه‌ی ایران، هیچ‌ده سال به درازا کشید. ماشین جنگی تیمور، جهانگشایی را پی گرفت و چهارسال پس از اشغال دهلی در سال ۱۴۱۸، به سوریه دست‌اندازی کرد و سلطان بایزید عثمانی را در جنگی در همان سال به بند کشید. در پایان، بی‌تی از استاد توس که در شاهنامه بر زبان رستم فرخزاد جاری می‌گردد، آورده می‌شود:

تبه گردد این رنج‌های دراز
نشیبی دراز است پیش فراز
این بیت، زبان حال یک سردار ایرانی نگران در سالهای پابانی ایران ساسانی است که آینده‌ی کشورش را بسیار تاریک و نا امیدانه و روند تاریخ سیاسی و اجتماعی آن را در سرایشی طولانی می‌دید، آنچنان که شد.

شاهین نژاد - هیوستن، تگزاس

تشنگی بسیار برای رسیدن به مال و دارایی از هیچ کوششی برای پیروزی در نبرد کوتاهی نمی‌کنند. مردی که از این چنین زمینه‌ی ناتوان اقتصادی و فرهنگی برون آمده باشد، چیز زیادی برای از دست دادن ندارد و به جهت انگیزه‌ی گردآوری مال و دسترسی به زن و فرزندان مردم قوم بافرهنگ‌تر و پیشرفته‌تر، دلاوریها و توانمندیهای بسیاری می‌تواند از خود نشان دهد.

قوم بی‌فرهنگ دیگری که در سده‌ی پنجم میلادی بخشهای بزرگی از اروپا و شمال آفریقا را لگدکوب اسبان خویش ساخته بود، قوم «وندال» بود. وندالها که در لهستان کنونی می‌زیستند، در سال ۴۵۵ رم را اشغال کردند. اینان سپس در شمال آفریقا حکومتی برپا کردند و در نبرد بزرگ دریایی سال ۴۶۸ در مدیترانه، رومیها را شکست دادند.

نمونه‌ی دیگر، فتنه‌ی مغول بود. حدود ششصد سال پس از یورش اعراب به ایران، قوم بیابانگرد دیگری اینبار نه از جنوب باختری که از شمال خاوری به کشورمان سرازیر شدند. مغولها نخست به باختر چین تاختند و در سال ۱۲۱۸ به آسیای میانه و خراسان لشکر کشیدند و تا سال ۱۲۵۱ بر همه‌ی ایران چیره شدند. گستره‌ی امپراتوری مغول تا سال ۱۲۷۹ به سی و سه میلیون کیلومتر مربع رسید. ایرانیان در برابر سپاه خونریز مغول حتی در سدی از ایستادگی که در برابر اعراب از خود نشان دادند را به نمایش نگذاشتند. ایران زیر چهرگی سیاسی ترکان خوارزمشاهی و زیر یوغ آیینی خلافت عباسی انگیزه‌ای هم برای پایداری در برابر مهاجمان مغول نداشت. ازبکها که با رهبری تیمور لنگ و برای گریز از نداری و گرسنگی به سرزمین خوارزم حمله‌ور شدند، یکی دیگر از نشانه‌های پیروزی قومی بی‌فرهنگ و خونریز بر ملت‌های متمدن زمان خود بود. تیمور در سال ۱۴۰۰ بر خوارزم چیره شد. در همان سال ازبکها به خراسان تاختند و سه سال پس از آن، مازندران لگدکوب سم اسبان ازبکان شد. همه‌ی ایران تا پایان سال ۱۴۱۸ بدست سپاه خونریز ازبک افتاد. بدینگونه از نخستین یورش ازبکها به



بود بلکه این مردم بیابانگرد از محیطهای گسترش نیافته و دون فرهنگ هستند که به خاطر خو داشتن به زندگی سخت و



چکیده

تأثیر پذیری ادبیات فارسی از تاریخ پرشکوه ایران باستان سبب آفرینش تلمیحات ادبی شده است. این تلمیحات نه تنها سبب زیبایی شعر میشود بلکه باعث میگردد که هر خواننده‌ی ایرانی به گذشته‌ی تاریخی و ادبی خویش با غرور و افتخار بنگرد و بر آن ببالد. تلمیحاتی که شاعران از آن بهره میگیرند معمولاً چهره‌های بنام تاریخی، دینی و اجتماعی یا اتفاقاتی است که در گذشته رخ داده است. برجسته‌ترین شخصیتی که در ادب فارسی بسامد بیشتری در تلمیح آفرینی دارد؛ پیام‌آور ایرانی «زرتشت» است. نام وی در اغلب دیوانه‌های شاعران کهن و معاصر دیده میشود. ما در این جستار بر آن هستیم تا سیمای زرتشت را در دیوان شعری ملک الشعرا بهار بررسی کنیم. چرا که از میان شاعران معاصر، بهار بیشتر از دیگر شاعران از ایشان نام برده است. این پژوهش به صورت تحلیلی - توصیفی و کتابخانه‌ای با استناد به کتب تاریخی، زرتشتی و ادبی انجام شده است.

واژگان کلیدی: زرتشت، ادبیات، نظم فارسی، ملک الشعرا بهار، شعر.

1. مقدمه

با ورود اسلام به ایران و روند مسلمان شدن ایرانیان اندک اندک چشمگیر شد؛ این پذیرش اسلام موجب شد ایران یک کشور اسلامی شود. این اسلامی شدن دلیل نشد که ایرانیان تاریخ دیرینه و پرشکوه خود و شخصیت‌های باستانی و قهرمانان ملی و دینی خود را از یاد ببرند. نویسندگان و شاعران با خامه و دوات بیش از پیش به برتری فرهنگ ایران و شکوه آریایی کوشیدند و در نگارش متون نظم و نثر از شخصیتها و تاریخ ایران باستان یاد کردند. این یادکردها نوعی آرایه‌ی ادبی در ادبیات فارسی با عنوان تلمیح بود؛ شاعران و نویسندگان برای جذب خواننده و مخاطب از تلمیحات اساطیری و ملی که در رگ و پوست و ضمیر ناخودآگاه ایرانیان نقش بسته بود؛ استفاده میکردند.

برجسته‌ترین چهره‌ی دینی برای مردم و اهل قلم «زرتشت» بود که از دیرباز باز تابش نام وی مفاهیم اعتقادی «پندار نیک»، «گفتار نیک»، «کردار نیک» را در بین مردم جا انداخته بود. در ادبیات فارسی از سده‌ی چهارم شاعرانی همچون رودکی و دقیقی و برتر از همه حکیم توس فردوسی از زرتشت به طور گسترده نام برده اند. از شاعران سده‌ی پنجم میتوان به منوچهری دامغانی اشاره کرد و در سده‌ی ششم که به دلیل برخی مسائل عقیدتی حاکم بر ایران شاعران از ترس آن که به کفر متهم نشوند از زرتشت و زرتشتیان در پرده و کنایه نام برده اند؛ اما در این دوره، مسئله به همین جا ختم نمیشود بلکه شاعرانی همانند خیام، مسعود سعد سلمان و سنایی برخی اعتقادات زرتشتی را نکوهش کرده اند.

در قرن هفتم «زرتشت بهرام پژدو» در کتاب «زرتاشت نامه» از زرتشت به نیکی یاد کرده و او را ستوده است این منظومه با این بیت آغاز میشود:

سخن را به نام خدای جهان
بهرام پژدو، (1338: 1)

بیاراید از آشکار و نهان

اما با نگرش منفی به زرتشتیان - نه به شخص زرتشت- در همین سده نیز در آثار نظامی، عراقی، شیخ محمود شبستری دیده میشود که این شیوه تا جنبش مشروطیت ادامه داشته است.

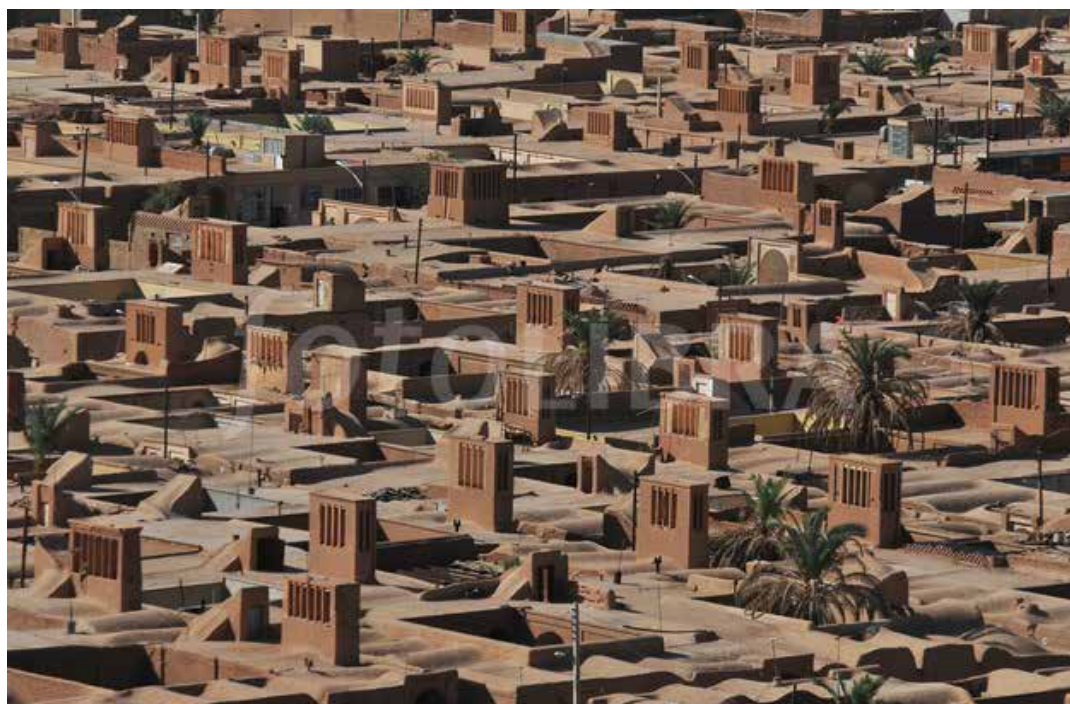
در دوره‌ی مشروطیت با شعر کیش زرتشت را سه پایه بود هر یکی را به چرخ سایه بود کاخ هستی بود برین سه ستون ماه و برجیس و مهر برگردون (فراهانی قائم مقامی، 1312: 692)

«ادیب الممالک فراهانی» زرتشت و زرتشتی در ادبیات فارسی جان تازه‌ای میگیرد که تأثیر آن را در اشعار سده‌ی پسین به ویژه در شعر عارف قزوینی، بهار، عشقی، اخوان ثالث و شفیعی کدکی میتوان دید که در قالب شعر کهن و نو سروده شده است؛ این اشعار حس ناب آریایی و سه پاس زرتشتی را منتقل میکند و نام زرتشت را دوباره زنده میگرداند. از این شاعران نام برده شده ملک الشعرا محمد تقی بهار (-1265 1330 خورشیدی) بیشتر از دیگر شاعران به نام زرتشت، آیین زرتشتی و زرتشتیان دوره پهلوی اشاره دارد. وی در دیوان خود از نام زرتشت به سبب وزن شعر با «زردشت» و «زردشت» نیز یاد کرده است. شاعر فرهیخته مورد بررسی ما با اییات و تلمیحات باستان خواننده را قدم به قدم با اندیشه خود همراه میکند.

ما در این پژوهش با بخش بخش کردن موضوعات به ترتیب خاستگاه و تاریخ، کردار زرتشت، سخن زرتشت، دین زرتشت، عناصر و اماکن زرتشتی، زرتشت و دیگران، با روش پژوهش تحلیلی - توصیفی و کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار داده‌ایم.

1-1. بیان مسئله

در ادبیات فارسی به ویژه در دوره حاضر به پیوند تاریخ ایران باستان با ادبیات فارسی چندان پرداخته نشده است و در بررسی اشعار شاعرانی همچون ملک الشعرا بهار بیشتر به مفهوم آزادی، عدالت، قانون و سیاست وی اشاره میشود؛ متأسفانه تاکنون هیچ پژوهشگر ارجمندی به نکات باریک اندیشه شاعر که بازتابی از نگرش آریایی و ایران کهن است؛ توجهی نکرده اند. ما بر آن شدیم تا با بررسی دیوان بهار و



ابیات در مورد «زرتشت» گامی در شناساندن ناخودآگاه شاعر درباره تاریخ کهن ایران و پیوند آن با ادبیات معاصر برداریم و مشخص کنیم که بسامد کدام بخش در دیوان برجسته تر از سایر بخش ها گفته شده است. امید است پس از ما پژوهشگران کوشای دیگر نیز در مورد شاعران دیگر و اندیشه آریایی آنها با گسترهی دید بهتر و بیشتری به پژوهش بپردازند.

1-2. پیشینه پژوهش

همان گونه که اشاره شد درباره اندیشه باستانی ملک الشعرا بهار تاکنون پژوهش استواری انجام نگرفته است؛ اما جستارهای گوناگونی در مورد زرتشت و بهار به صورت جداگانه نوشته شده است که به این قرار هستند:

1. «مطالعه تطبیقی تعالیم دین زرتشت و فلسفه مکتب اصالت وجود» به پژوهش «سحر پورجم، ابوالقاسم دادور» که در شماره 29 نشریه مطالعات ایرانی در سال 1395 خورشیدی چاپ شده است؛ پژوهشگران در این پژوهش به اندیشه زرتشت اشاره دارند که امروزه مکتب آگزیستانسیالیسم در میان مردم متمدن آن اندیشه را به نام خود مطرح میکند؛ در ادامه مقاله زرتشت را از پیامبرانی معرفی میکند که به خرد و انسان ارج می نهد.

2. «عدالتخواهی و قانونگذاری در شعر محمدنقی بهار» که «رحمان مشتاق مهر و محمد حسین زاده» در سال 1387 خورشیدی در شماره 25 از مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان به چاپ رساندهاند. پژوهش به ادبیات عصر مشروطه و تحولات سیاسی- اجتماعی و شکلگیری جنبش مشروطیت با مضامین عدالت، وطن و قانون پرداخته است.

3. «سیمای ادبی زرتشت، مانی، مزدک در آثار منظوم فارسی» به نگارش «محمدجواد شریعت، مریمالسادات خوشبانی» که در نشریه نیمسال نامه تخصصی پژوهشنامه ادیان، شماره 9، در سال 1390 خورشیدی چاپ شده است. پژوهشگران به سیمای سه شخصیت دینی ایران باستان که در دورهی خود تأثیرگذار بودهاند؛ در آثار منظوم قرن چهارم تا معاصر با آوردن نمونههای شعری پرداخته



اند.

2. بررسی و پژوهش

2-1. خاستگاه و تاریخ

ملکالشعرا بهار در دیوان خود به شکل پراکنده از خاستگاه زرتشت سخن گفته و با پیوند آن به تاریخ و فتح ایران توسط مسلمانان و حسرت به گذشته و جشنهای زرتشتی تمام دلبستگی خود را به تاریخ کهن و آیین زرتشتی بیان کرده است. وی خاستگاه زرتشت را از خراسان میدانند چنانچه در دو بخش از دیوان خود آمده است:

گر چه زرتشت از خراسان خاست (بهار، ج2، 1336: 66)
همچو زرتشت کز خراسان خاست (همان: 69)

نخست باید از زادبوم زرتشت سخن مختصری بنویسیم چرا که باورهای گوناگونی در بین دانشمندان و پژوهشگران است؛ به گونه ای که زادبوم زرتشت را غرب و شرق و چین و خاور دور نوشته اند. انکتیل دوپرون (-1731 1805 میلادی) خاورشناس فرانسوی میگوید: «بیست منطقه مختلف به زاد بومی زرتشت افتخار میکنند» (جیوانچی، 1354: 64). پروفیسور جکسن بدون تردید زادگاه زرتشت را آذربایجان و نزدیک دریاچه رضائیه میدانند (همان: 66).

اما در مورد خاستگاه (ظهور) زرتشت که بهار آن را از خراسان میدانند تردید داریم و با یک ریشه یابی واژه میتوان این تردید را حل کرد. کوه سبلان در اردبیل که اهالی به زبان ترکی آذری آن را «ساوالان» میخوانند مشتق است از دو واژه «ساو+ آلان». «ساو» در ترکی به معنی «پیام و وحی» است و «آلان» یعنی «گیرنده» پس با این حال «ساوالان» به معنی «وحی گیرنده» است. با این تفسیر میتوان چنین گفت که خاستگاه زرتشت از کوه سبلان است.

دلیل دیگر ما وجود مکانها مقدس در اطراف کوه سبلان است که امروزه جای خود را به مکانهای مقدس اسلامی داده است. دیگر دلیل ما وجود دامنه‌ی سرسبز «مغان» است

که این نام با روحانیان زرتشتی «مغ» هم ریشه است. چنانچه ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه آورده است: «سپس زرتشت ظهور کرد و او از مردم آذربایجان بود. و از تخمه منوچهر و در شمار اعیان و اشراف خانواده های موقان (مغان)» (بیرونی، 1386: 299). بیشتر نویسندگان بر آن اشاره کردهاند که تا دهه های پیش مردم به زیارت مزارهای کهن در کوه سبلان میرفتهاوند.

ملک الشعرا بهار که خود از خراسان است و چون به زرتشت دلبستگی داشته است؛ در اشعار خود زرتشت را نیز برخاسته از خراسان خوانده است. بهار پس از سخن خاستگاه زرتشت، به آمدن اسلام به ایران اشاره میکند که آیین و سه پاس زرتشت از یاد رفته و شخصیت های مسلمانان جای چهره های دینی ایرانیان را گرفته و بیت زیر نشانگر حسرت شاعر است:

نیز نزدیک شیعه شد حیدر
بدل زدهشت پیغمبر
(بهار، ج2، 1336: 69)
2-2. کردار زرتشت

زرتشت پیامبری خردمند و انسان دوستی است که راستی و نیکی اساس آموزه و تبلیغ اوست. در اندیشه زرتشت جهان دارای دو بخش تاریکی و روشنایی است که تاریکی در دست «اهریمن» است و روشنایی زیر نگر «اهورا مزدا»؛ هر آن کس که تاریکی را برگزیند به دوزخ میروند و هر کس راه راستی پیش گیرد به بهشت میرسد.

اهریمن در نوشته های زردشتی به دو گونه یاد شده است. اهریمنی که در ونیدداد است «خود آفریده و خود ساخته و بی نیاز از اهورامزدا است و در اوستا به صفت آفریننده متصف شده که میتواند علاوه از دیوها و پریان نامرئی جانداران محسوس و مرئی از قبیل وزغ، مورچه، مار، عنکبوت، حشرات، گرگ را خلق کند و بیماری و آفت پدید آورد. اهریمن همه جا با خدای زردشت رقابت میکند» (دارمستر، 1384: 30).

در برابر آن اهریمنی که در بندهشن است «علم محدودی دارد. او و دیوان بر عالم فرشتگان و آسمان دسترسی ندارند و نمیتوانند بر عوالم غیب و اخبار پنهان آگاهی یابند. فرشتگان مینوی با اهریمن و همهی دیوان نود شبانه روز جنگیدند تا ایشان را به ستوه

آوردند و به دوزخ افکندند. سپس با روی آسمان را ساختند تا پتیارها بتوانند بدن بیامیزند» (فرنبدادگی، 1385: 52).

در فصل هفتم وندیداد اهورامزدا نشان دیو ناپاکی به نام «دروج ناسو» را بر زردشت می‌دهد و در همان گفتگو به زردشت می‌آموزد که با پاکی میتوان دیو را از پای درآورد «میتوان پاک نمود ای زردشت مقدس» (دارمستر، 1384: 156). زردشت که نیکی مطلق است با فرّ ایزدی و فروغ پیامبری خود پیوسته اهریمن را شکست می‌دهد و این شکوه زرتشت را بهار در شعر خود می‌آورد:

خود مگر زرتشت با فرّ فروغ اورمزد
چارهی پتیاره ی اهریمن شیدا کند
(بهار، ج1، 1336: 478)

اندیشه زرتشت چنان استوار است که از سده های کهن تا اکنون به جا مانده است هرچند دارمستر، مدهوشانه از خود می‌پرسد که چگونه میتوان باور داشت که انسانی در دو هزار و ششصد سال پیش، نظریات خود را در مورد جهان هستی و خداوند، با همان زبان فلسفی و با همان سبک گنوسی و نو افلاطونیان بتواند عرضه کند؟ و بر اساس همین شک با تمام احترامی که برای زرتشت قائل است، خطابه های او را احتمالاً جعلی و ساخته و پرداخته مردمانی در هفت

یا هشت قرن پس از او تلقی میکند.

اما خانم سیمون پترمان، نویسنده رساله دوگانه انگاری، با انصاف تحقیقگری خود و به نشانه اعتراض، بیان میدارد: «من نمی دانم چرا برخی دانشوران با نوعی وحشت از معرفی زرتشت به عنوان یک فیلسوف ابا دارند؟ در حالی که اگر تنها یک آیین فلسفی و تجربیدی وجود داشته باشد، از آن اوست. چرا از قبول این واقعیت خودداری می شود؟ علت قدمت زیاد اوست؟ اما همه چیز بیش از تصورات ما قدیمی است، به ویژه فلسفه» (زمانی مقدم، 1396).

زرتشت در فلسفه خود جهان را بین راستی و دروغ میبیند و میکوشد آن را از بین ببرد و نور درستی را در دنیا بتاباند و این تابش انسان را به آزادی و آزادی بکشاند تا هر انسان با خرد خویشتن مایهی نجات خود و دیگران شود. وی هدف آفرینش را نگهبانی از درستی میدانند که با آن گیتی آراسته تر میشود، چنانچه ملک الشعرا می سراید:

هرمزد چنین مُلک گرانمایه به ما داد زردشت بیاراستش از حکمت و از پند
(بهار، ج1، 1336: 621)

2-3. سخن زرتشت

سخنان زرتشت از بهترین تلمیحاتی است که بهار با آن شعر خود را آراسته است. این سخنان که ریشه در باور زرتشت دارد و یا در گاتها و کتب زرتشتی به نگارش در آمده است مایه برتری شعر بهار شده است؛ نخستین سخنی که مورد بررسی قرار می دهیم، سخن از آفرینش انسان است:

گفت اصل آدمیزاد از گیاست
(همان: 570)

«کیومرث» نخستین آفریده اهورامزدا که به معنی «زنده میرا» است و از آنجا که به «گلشاه» نیز شناخته میشود آفرینش نخستین وی از گل و هشت فلز دیگر بوده است. حال آفرینش مردم از گیاه به پس از درگذشت کیومرث برمیگردد زیرا «کیومرث به هنگام درگذشت تخمه بداد، آن تخمه ها به روشنی خورشید پالوده شد و دو بهر آن را نریوسنگ نگاه داشت و بهری را سپندارمذ پذیرفت. چهل سال آن تخمه در زمین بود. با به سر رسیدن چهل سال، ریاس تنی یک ستون، پانزده برگ، مهلی و مهلیان از زمین رُستند. درست بدان گونه که ایشان را دست بر گوش باز ایستد، یکی به دیگری پیوسته، هم بالا وهم دیسه بودند» (فرنبدادگی، 1385: 81).

بهار در ابیات دیگر به اهریمن ستیزی و راستی زرتشت اشاره دارد و میسراید:

یار اهریمنند مکر و دروغ
این چنین گفت زردشت نبی
(بهار، ج1، 1336: 481)

از دیرباز دروغ و قحطی در کتیبه ها در ردیف دشمن ایران آمده است. ایرانیان باستان بر این باور بودهاند که سرآغاز گرفتاری و تباهی دروغ است. زرتشت خود را نیز از دروغ گسسته میدانند چنانچه آمده است: «با آشه پیوسته ام. از دروغ گسسته ام» (اوستا، یسنا، هات10/16). در بخش «یشت» از اوستا زرتشت به پیروزی در برابر اهریمن می پردازد که بهار نیز به آن گوشه چشمی داشته است:

«آن که سناوینک را کشت؛ آن شاخدار سنگین دست را که در انجمن میگفت: من هنوز ناپُرنایم. بدان هنگام که برنا شوم، زمین را چرخ و آسمان را گردونه خویش کنم... گرشاسپ دلبر او را کشت و جانش را بگرفت و نیروی زندگانش را نابود کرد» (اوستا، یشتها، کدهی ششم/ 43-44). و درستی و راستی در گیتی فرمان راند و زرتشت فرمود «که بر دیو ریمن نماید پشت».

وجود کار و کشت و کشاورزی بخش جدایی ناپذیر زندگی ایرانیان بوده است در اوستا کیومرث نخستین برزیگر آمده است «نخستین آثریان، نخستین ارتشتار، نخستین برزیگر ستور پرور، نخستین کسی که از دیو روی گردانید و مردمان را پرورد» (اوستا، یشتها، فروردین یشت/ 89) پس از آن ستایش برزیگر را در ویسپرد میخوانیم: «برزیگر ستور پرور را ایستاده خواهم» (اوستا، ویسپرد، کدهی سوم/ 2) که ملک الشعرا بهار نیز همان را به نظم کشیده است:

که گفتار زردشت پیغمبر است
ستون جهان مرد برزیگر است
(بهار، ج2، 1336: 317)

2-4. دین زرتشت

آیین و دین زرتشت، آیینی است که در جهت حقیقت و حقیقت یابی است و آموزه های زرتشت جهان را به طرف نیکی و صلح سوق میدهد. «جان ناس» اساس دین زرتشت را به این قرار بر می شمرد: الف) به پیروی از



الهامات بر پیغمبری برگزیده شد و دین او بهترین و کاملترین ادیان است؛ (ب) از همه ارواح متعدد تنها یک روان خوب و نیکو را که اهورامزدا بود پذیرفته و او را بالاترین و بزرگترین خدایان دانست؛ (ج) زرتشت معتقد است که در برابر هر نیکی یک بدی موجود است، چنانچه در برابر «اشا» یعنی راستی و حقیقت «دروغ» و باطل جای گرفته (ناس، 1354: 307-306).

ظهور اشو زرتشت بنا بر نوشته ها در دوره پادشاهی گشتاسب بوده است؛ اما در این باور نیز برخی پژوهشگران تردید دارند که آیا گشتاسب همان پادشاهی کیانی بوده یا تنها هم اسم بوده اند و گشتاسب کیانی با گشتاسبی که اشو زرتشت در دوره وی ظهور کرده متفاوت است.

ملک الشعرا بهار در بیت

درکه گشتاسب شه، دین کرد پیدا زدهشت
کرد یزدان را جدا از دیو و دوزخ از بهشت
(بهار، ج1، 1336: 49)

گشتاسب را همان پادشاه کیانی میدانند. چنانچه در زامیادیش میخوانیم: «[فری] که از آن کی گشتاسب بود که دینی اندیشید؛ که دینی سخن گفت؛ که دینی رفتار کرد. بدان سان که او این دین را بستود؛ دیوان دشمن [خوی] را از آشونان براند» (اوستا، زامیاد یشت، کردهی سیزدهم/ 84)؛ در یسنا 23: 2 نیز از کیگشتاسب اسم رفته است.

بهار، پس از گذشتن از درکه گشتاسب شاه به روش سیاسی دین زرتشت میپردازد که دین زردشت چون اساسی بود

روشی متفن و سیاسی بود

(بهار، ج2، 1336: 67)

از آنجا که سیاست و دیانت در همه گروههای دینی و فکری در راستای هم هستند؛ دین زرتشتی نیز از این امر جداناپذیر است. برجسته ترین پیوند دهنده دین و سیاست در آیین زرتشتی، «اهورامزدا» است و تمام دیدگاه مردم و درباریان دور آن می چرخد. تأثیر این الهیات در سیاست ساسانیان به وضوح قابل مشاهده است. «ساسانیان به محض رسیدن به قدرت و حذف خصم اصلی خود، یعنی پارتیهای اشکانی، نظام ملوک الطوائفی را ملغی اعلام کردند، ولی

بزرگان این طوائف را به دربار فراخوانده و از آنها در مدیریت کشور سود بردند؛ این بزرگان دیگر استقلال عمل نداشتند، بلکه دانهای از یک تسبیح به شمار میآمدند که قصد همزوم کردن نظام ارزشی جدیدی را داشت. در واقع شاهی آرمانی از طریق قدسی سازی سیاست و برخورداری از مشروعیت الهی، درصدد غیریت سازی و از طریق آن، بساختن هویت ملی در سرزمین ایرانویج است. این وجه از شاهی آرمانی را برخی متفکران وجه ملی فوّه به شمار میآورند و حاکی از تلاش دولت ساسانیان بعد از ساختار ملوک الطوائفی برای وحدت سرزمینی است» (احمدوند، اسلامی: 1396: 59).

2-5- عناصر و اماکن دین زرتشتی

2-5-1 آتش

در باور زرتشت آخشیج از مقدسترین نهادهاست که باید برای نگهداری آن کوشید و آن را با ناپاکی نیالود. از بین چهار آخشیج، آتش از نخستین عناصر آموزه های زرتشت است و چنان پررنگ است که برخی به اشتباه زرتشتیان را به پرستش آتش متهم کرده اند. آتش، چراغ راه نیکی است که فرد گمراه به وسیله آن راه را روشن مییابد و در آن گام می نهد. به دیگر سخن آتش، نمادی از نور خرد و دانش است؛ این اندیشه زرتشت به گونه ای ژرف بوده است که در مکتب اشراق نیز خود را به طور بارز نشان داده است.



بهار در چند بخش از دیوان خود به آتش زردشتی اشاره نموده که ما به یک نمونه بسنده کردیم:

زگبن دمید آتش زدهشت

بر او زندخوان خواند پازند و زند

(بهار، ج1، 1336: 677)

ترکیب آتش با دیگر اسمها در اوستا دیده میشود که « آتش بهرام، آتش تن مردمان و چهارپایان، آتش رستیها، آتش ابرها، آتش گرزان» چند نمونه از آنها است.

2-5-2 اوستا

واژهی اوستا که در خود کتاب نیامده به معنی «دانش و شناخت» است و با واژه «ودا»، نام کهنترین کتاب دینی هندوان هم‌ریشه است. روی هم رفته اوستا را می توان به معنای «آگاهی نامه» یا «دانش نامه» دانست که آن را مرجعنامه نیز می نامند. در متون کهن دوران پس از اسلام، از اوستا با نامهای دیگر نیز یاد شده است. از آن میان می توان نامهای چون ابستا، آستا، آبستاق، وستا، ستا، اوستاک، آبستا، آبستاق و بستاق را نام برد (دهخدا، 1339: ذیل اوستا).

در دیوان بهار دو بار به اوستا اشاره شده است؛ نخست در ستایش بزرگ مرد توس، فردوسی پاکزاد:

آنچه گفت اندر اوستا زدهشت و آنچه کرد
اردشیر بابکان تا یزدگرد بافرین
زنده کرد آن جمله فردوسی به الفاظ دری
اینت کرداری شگرف اینت گفتاری متین
(بهار، ج1، 1336: 630)

و دیگری در شکوه کتاب بودا و اوستا

«سه سید گل» کتاب بودا بود

زان زرتشتیان «اوستا» بود

(بهار، ج2، 1336: 69)

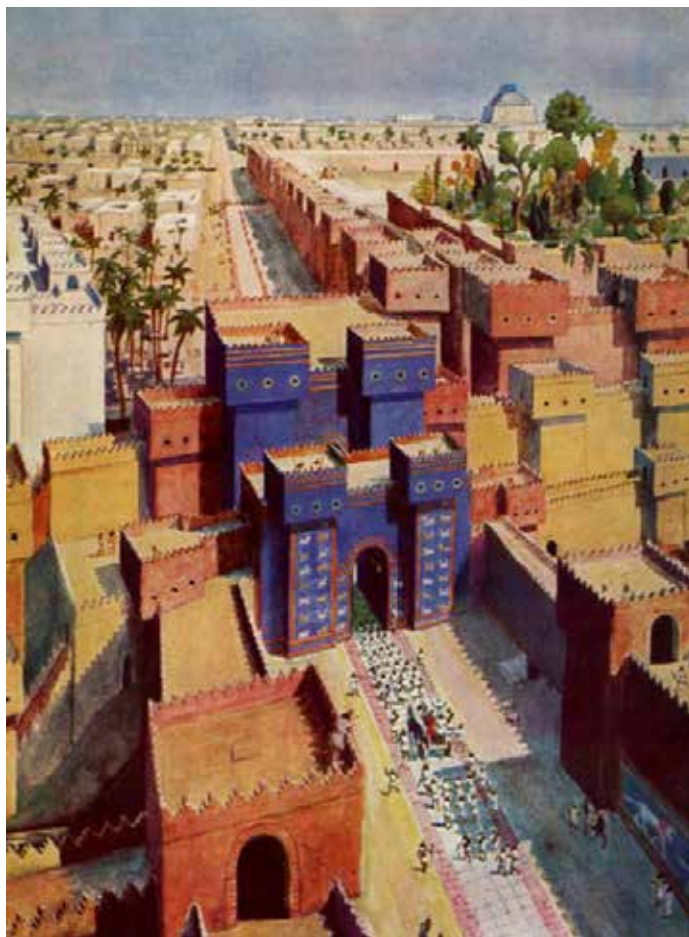
2-5-3 دعوتگه زرتشت؛ قبله زرتشت

در باره دعوتگه زرتشت کوتاه سخن این که ایشان رد همه میهن گسترده مان به راهنمایی و فراخوانی به نیکی و روشنایی کوشید؛ پس تمام ایران جز دعوتگه زرتشت است که پهنایی به گسترهی یازده میلیون متر مکعب داشته است.

فرشته درآمد چراغی به مشت

روان شد به دعوتگه زردهشت

(همان: 310)



گواه موسی یابی و معجز داوود

صنیع آزر بینی و حجت زردشت

(همان: 327)

و یا در حسرت گذشته میسراید:

کجا رفت هوشنگ و کو زردهشت

(همان، ج 2: 264)

و این چنین در دیوان خود به جاودانگی اشو زرتشت می گوشت و ایران باستان را پیوسته نقطه اوج و زین تاریخ ایران می شمارد.

نتیجه گیری

با دوباره نگری به جستار چنین به دست می آید که ملک الشعرا بهار به ایران باستان دلبستگی ویژه ای داشته است و کوشیده است در هر بیت و یا به تناسب هر مصرعی نامی از زرتشت بیاورد یا به دین زرتشتی اشاره ای داشته باشد. این سخن سرایی بهار نه تنها شعر او را سست نکرده بلکه سبب زیبایی شعر وی نیز شده است.

بهار در آوردن عناصر و اماکن دین زرتشتی نسبت به دیگر بخشها دقت بیشتری داشته است. چنانچه در ابیات خود به زند، پازند، آتش، قبله زردشت، دعوتگه زردشت و از همه بارز تر به کتاب مقدس اوستا پرداخته است. پس از آن بیشترین بسامد را سخن زرتشت دارد که خواننده ابیات متوجه می شود که سراینده اوستا را ازبر دارد.

پایان سخن این که ملک الشعرا بهار با دانش و فرهیختگی که دارد کوشیده است در جهت شناساندن زرتشت و کردار و سخن آن بزرگمرد گامی نوین با فرهنگ پارسی بردارد و دین و ادب را به هم پیوندد. وی در این مسیر چنان گام برداشته که جای هیچ خلأ در آن دیده نمی شود. امید است پژوهشگران در پژوهشهای نوین خود بیش از پیش به بررسی ادب و دین باستان بکوشند.

قبله زرتشت در دیوان دقیقی چنین بیان شده است:

برخیز و بر افراز هلا قبلیه زردشت
بنشین و برافکن شکم قاقم بر پشت
بس کس که ز زردشت بگردید و دگر بار
ناچار کند روی سوی قبلیه زردشت

(دقیقی، 1373: 116)

در این بیت منظور از «قبله زردشت» همان آخشیخ نخست «آتش» است؛ اما با توجه به بیت ملک الشعرا بهار، متوجه می شویم که هدف از قبله زردشت، کعبه زردشت است. چرا که بهار آن را در کنار خیمه رستم که همان نقش رستم است؛ آورده است.

خون سیاوش ریز در کف موسی

قبله زردشت زن به خیمه رستم

(بهار، ج 1، 1336: 114)

به باور پروفیسور «زراره» کعبه زردشت آتشگاهی است بیرقهای هخامنشی در آن نگهداری می شود. مسکوکات شاهان دست نشانده پارس، چنین می نماید که شاه پارس در یکطرف آتشکده در حال عبادت ایستاده و در طرف دیگر بیرقهای سلطنتی است (میرفتاح، 1387: 276-275).

2-6. زرتشت و دیگران

بهار در سروده های خود به سبب گوشه چشم داشتن به زرتشت و شیوایی سخنش، اسم زرتشت را در کنار نام دیگر شخصیت های برجسته آورده است. وی با این تلمیح آفرینی به ایران باستان مینگرد و آن را با دورهی خود می سنجد و در برخی ابیات حسرت می خورد. برهما، خدایی که دانش و پس از آن، جهان را آفرید؛ یکی از این شخصیت ها است که در کنار نام زرتشت آمده است:

هست اندر آن حدیث برهما و زردهشت

هست اندر آن نشان اوستا و ریک وید

(بهار، ج 1، 1336: 526)

پس از آن شخصیت های اسطوره ای، پادشاهان ایران باستان، دانشمندان بنام و پیامبران در کنار زرتشت قرار میگیرد:

ز سقراط گزین تا عهد لوتر

ز زرتشت مهین تا پور سینا

(همان: 731)

آنچه کوروش کرد و دارا آنچه زردشت مهین

زنده گشت از همت فردوسی سحر آفرین

(همان: 630)

منابع

احمدوند، شجاع؛ اسلامی، روحالله (1396). اندیشه سیاسی در ایران باستان، تهران: نشر سمت.

اوستا (1371). پژوهش جلیل دوستخواه، تهران: نشر مروارید.

بهار، محمد تقی ملکالشعرا (1336). دیوان، 2 جلدی، تهران: نشر امیرکبیر.

بهرام پژدو، زرتشت (1338). زراتشتنامه، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: نشر طهوری.

بیرونی، ابوریحان (1386). آثار الباقیه عن القرون الخالیه، ترجمه اکبر دانا سرشت، تهران: نشر امیرکبیر.

جیوانجی، جمشید جی مدی (1354). زادبوم زرتشت، ترجمه رشید شهردان، نشریه بررسیهای تاریخی، شماره 59، صص: 63-110.

دارمستر، جیمس (1386). مجموعه قوانین زردشت وندیداد اوستا، ترجمه موسی جوان، تهران: نشر دنیای کتاب.

دقیقی، احمد (1373). دیوان، به اهتمام محمد جواد شریعت، تهران: نشر اساطیر.

دهخدا، علیاکبر (1339). لغتنامه، زیر نظر دکتر محمد معین، تهران: نشر دانشگاه تهران دانشکده ادبیات.

زمانیمقدم، بهزاد (1396). چنین است زرتشت، کنگره بینالمللی مطالعات میان رشتهای در علوم پایه و مهندسی، تهران، بدون صفحه.

فراهانی قائم مقامی، ادیبالممالک (1312). دیوان، تصحیح وحید دستگردی، تهران: مطبعه ارمغان.

فرینغدادگی (1385). بندهشن، به کوشش مهرداد بهار، تهران: نشر توس.

میرفتاح، منصوره (1387). زرتشت چهره تابناک ایران باستان، تهران: نشر محمد.

ناس، جان (1354). تاریخ جامع ادیان، ترجمه علیاصغر حکمت، تهران: نشر چاپخانه پیروز.

گپ خودمانی

جهان در سالی که گذشت

سوسن کیانی

اگر از جنبه طنز هم بگیریم سال ۲۰۲۰ برخلاف عدد آن سال بیستی نبود و در کارنامه تاریخ نمره قبولی پایینی را دریافت خواهد کرد. مهمترین ارزیابی سال ۲۰۲۰ همانطور که همه میدانیم پیدایش ویروس جدید کرونا و انتشار آن به صورت جهانگیر بود که خیلی زود اثر مخرب آن را بر روی زندگی فردی-اجتماعی-اقتصادی-تفریح-تحصیل و هر آنچه که فکر کنید دیدیم وکماکان در سال ۲۰۲۱ نیز شاهد آن هستیم.. متسفانه دهه بیست میلادی به خوبی آغاز نشد. وقایع مهمی مانند هر سال دیگر در سالی که گذشت به وقوع پیوست مانند بلایای طبیعی (آتش سوزی مهیب در جنگل های استرالیا)- درگذشت افراد به نام نظیر Kobe Bryant و یا در محفل خودمان دکتر علی اکبر جعفری -انتخابات ریاست جمهوری -بالا و پایین شدن شرایط اقتصادی و...

شاید سنجش ما به آنچه در اطرافمان میگذرد -حال با استاندارد زمانی ۳۶۵ روز یا یک سال - نسبت به چندین دهه گذشته فرق اساسی کرده چون در عصر حاضر ارتباطات به قدری سریع صورت میگیرد و دست یافتن به اخبار در سراسر دنیا به گونه ای ساده شده که دیگر متسفانه نمیتوان به صحت آنها اطمینانی داشت. در دنیای مجازی به قدری اخبار و تعریف و حوادث بد و ناگوار میخوانیم که باور کردنی نیست. بدون شک در راس اخبار راست و دروغ خبر داغ کورنا هست و آمار تلفات ودرگیری با این بیماری. اما مگر بیماری و وقایع بد و ناهنجار دیگر هم نیست و نبوده؟در چننین دهه قبل وبا و طاعون و هم اکنون آنفولانزا و ایدز سالپانه صدها هزار تن را به کام مرگ میکشاند. گرسنگی در کشورهای افریقایی بیدادمیکنند و فقر در بسیاری از کشورها عامل بدبختی و فلاکت است. پس هدف نباید این باشد که یک مساله را با هیجان کاذب و ترس و اضطراب بیش از حد بزرگ جلوه دهیم و بدنبال شلوغ کاری و پر کردن اخبار و ارزیابی متعصبانه باشیم. باید از گذشته عبرت بگیریم و بدون آنگه در زمان گذشته بمانیم یاد بگیریم که در آینده چه کنیم تا روزها و سال های بهتری را بسازیم.

با رعایت سه اصل Responsibility یا مسیولیت - Integrity یا صداقت و Commitment یا تعهد سعی کنیم که به اخبار بد و شایعات دامن نزنیم و جهانمان را بیش از این تلخ نکنیم. با بیدار کردن وجدانمان و اجرای این سه اصل میتوان نه تنها سال 2021 بلکه تا ابد زمین و زمان را از بسیاری از فاجعه ها و وقایع ناگوار -بیماری و ناامیدی نجات دهیم.

به امید سالی بهتر برای بشریت



اولین نماینده ایرانی زرتشتی در مجلس نمایندگان کنگره آمریکا راهی به سوی آینده

نوشته دکتر خسرو اسفندیار مهرپر
برگردان به فارسی گلسا غیبی

پیش زمینه

در مقاله های قبل، هدف، زمان بندی، مدت پروژه، و همچنین تعدادی دلایل بنیادی و اساسی مطرح گردید تا اجرایی بودن این پروژه و عملی بودن دستیابی به هدف آن به دلیل پتانسیل بالا و احتمال زیاد موفقیت (که با 11 دلیل در مقاله های گذشته خلاصه شده بود) روشن گردد. بدیهی است که موفقیت این پروژه وابسته به ترکیبی از عواملی است که برخی در حیطه ی کنترل ما قرار گرفته اند؛ از جمله برنامه ی پروژه، چگونگی پیاده سازی آن توسط تیم کارآمد و شایسته ما، زمانبندی و برنامه ریزی، و غیره. برخی نیز خارج از محدوده ی کنترل ما هستند؛ مانند شرایط موجود در زمان پروسه ی رای گیری، حکم قانون و فرایندها، قوانین و مقررات زمان رای گیری، تمرکز جمعیت رای دهنده، و غیره. مشخصا هر دو طرف معادله ی موفقیت یا به عبارت دیگر عوامل قابل کنترل و غیرقابل کنترل باید به طور مناسب در یک راستا قرار بگیرند تا موفقیت این پروژه رقم بخورد و همه ی ما به این موفقیت امید داریم. از زمانی که این ایده در چاپ های گذشته ی چهره نما منتشر گردیده است، تعداد زیادی نظر و پیشنهاد از هازمانهای زرتشتی دریافت نموده ایم. باعث دلگرمی است که این توجه و علاقه از طرف بخش امیدوارکننده ای از جوانان پرشور و بزرگان با تجربه ابراز شده است. به دلیل افزایش توجه و پرسش های پرسیده شده ، و از آنجایی که ایده ی داشتن یک فرد زرتشتی به عنوان اولین نماینده ی ایرانی امریکایی در مجلس آمریکا اولین بار در این مجله عنوان شد، تصمیم گرفتیم که یک سری از پرسش های متداول و پاسخهای آنها را با شما خوانندگان محترم

مجله ی معتبر چهره نما - انتشارات رسمی مرکز زرتشتیان کالیفرنیا- در میان بگذاریم.

هدف

برای اولین بار در چاپ های گذشته چهره نما، چاپ ۱۹۱ به فارسی و چاپ ۱۹۳ و ۱۹۵ به انگلیسی، هدف به صورت زیر ارائه گردید:

"داشتن یک زرتشتی به عنوان اولین عضو ایرانی امریکایی در مجلس نمایندگان ایالات متحده ی آمریکا"

برنامه

ما یک برنامه ی مقدماتی ۱۰ ساله برای رسیدن به هدف ذکر شده در بالا تنظیم کرده ایم. این برنامه به صورت یک سند پویا است و بدین ترتیب نیاز است که به صورت دوره ای اصلاح شده و مطابق با ضرورت زمان و تحولات جهانی که در آن زندگی می کنیم تنظیم و به روز گردد.

ماهیت این سند پویا یا به عبارت دیگر "برنامه" نیز به ما کمک خواهد کرد تا به بهترین شکل ممکن به هدفمان که در بالا ارائه گردید دست یابیم. مهم است که توجه داشته باشیم اگرچه اصول و مبانی این سند پویا که عمیقا ریشه در پیام های اشوزرتشت دارند همیشه ثابت بوده و خواهد ماند، روش انتقال این پیام ها باید به صورت پویا تنظیم گردد تا اطمینان حاصل کرد که همواره بهترین و موثرترین شیوه به کارگرفته می شود.

حوزه

این پروژه برای مجلس نمایندگان کنگره ی ایالات متحده ی آمریکا برنامه ریزی شده است و بنابراین بدیهی است که هرکس کاندیدای نهایی این مقام باشد، باید به مدت حداقل 7 سال تابعیت امریکایی داشته باشد و ساکن ایالتی باشد که حوزه ی انتخاباتی اش در آن واقع گردیده است. بدین ترتیب، ساکنین و تبعه ی کشورهای دیگر نمی توانند شرکت نمایند. بیان این موضوع لازم است، چرا که بخشی از ابراز علاقه از جانب زرتشتیان عزیز ساکن کشورهای دیگر و اکثرا از همسایه ی شمالی ما، کشور زیبای کانادا بوده است. بنابراین به طور خلاصه، حوزه ی پروژه ی ما شامل تمامی 50 ایالت آمریکا است و تنها محدود به کالیفرنیا نیست.

لازم به توضیح است که اگر چه هدف این برنامه کاربردی روشن و مشخص است ولی هیچ گارانتی در کار نیست که اولین نماینده مجلس نمایندگان آمریکا یک ایرانی زرتشتی باشد و ممکن است که ایرانیان دیگری قبل از ان به این افتخار دست یابند که در ان صورت برایشان نهایت آرزوی پیشرفت و پیروزی روزفزون داریم

معیارها

یکسری از پرسش های رایجی که دریافت کرده ایم در خصوص کلیات "صلاحیت" است. مبحث صلاحیت ها بخش عمده ای از مجموعه ای است که ما تحت عنوان "معیارها" در برنامه ی خود آورده ایم که خود به چند زیرمجموعه تقسیم شده و یکی از آنها به "صلاحیت ها" می پردازد. نیازی به ذکر نیست که به منظور بالا بردن شانس دستیابی به هدفمان، می بایستی که بهترین بهترین ها را از میان کاندیداهای زرتشتی در مدت زمان مقرر انتخاب و پشتیبانی کنیم و با توجه به تعداد زیاد جوانان زرتشتی شایسته ای که در سراسر آمریکا داریم، این امر کاری دشوار است. بنابراین در انتهای پروسه های انتخاب، آن یک نفرمنتخب باید دارای صلاحیت هایی با ارزش بالا باشد از جمله شخصیت خوب (که بسیاری را با این مشخصه داریم)، رهبری (که برخی را با این مشخصه داریم)، تحصیلات بالا (که بسیاری را با این مشخصه داریم)، برخوردار از احترام فراوان در منطقه ی خود (که بسیاری را با این مشخصه

داریم)، فعال در کارهای جامعه (که برخی را با این مشخصه داریم)، علاقه مند به فعالیت های دولتی و به خصوص شاخه ی قانون گذاری (که برخی را با این مشخصه داریم) و غیره. این ویژگی ها برخی از مشخصات اصلی ذکر شده در زیرمجموعه ی "صلاحیت ها" از قسمت "معیارها" در برنامه ی ما می باشد و موردی بیشتری نیز هست که می توان بعدا آنها را ارائه نمود.

رویکرد

رویکرد ما همانگونه که در برنامه ی توضیح داده شد، بر اساس پروسه ی ساده ی "حذف" است و ۳ فاز دارد. ما فاز ۱ را با تمامی کاندیدها که معیارهای اساسی صلاحیت را داشته باشند شروع کرده و سپس با استفاده از یک سیستم دودویی، نصف آن تعداد را انتخاب کرده و این پروسه را آنقدر تکرار می نمایم تا تنها ۲ کاندید نهایی باقی بمانند. به عنوان مثال، اگر ما با ۱۵ یا ۱۶ کاندید منتخب شروع کنیم، در دور اول آن را به ۸ نفر و سپس در دوره های بعد به ۴ و نهایتا ۲ نفر کاهش می دهیم. در این زمان ما وارد فاز ۲ خواهیم شد که در آن طی یکسری پروسه ی مرحله به مرحله ، مشخص می کنیم که کدام یک از این دو کاندید نهایی پتانسیل بالاتری برای "انتخاب شدن" در منطقه اش خواهد داشت. مسائل مهمی از قبیل "مهارت های اجتماعی"، "سابقه ی دست اندرکاری درامورانجمن"، "تعداد ارتباط های اجتماعی"، "قابلیت های ارتباطات"، "شیوایی بیان"، "خدمات و تشکیلات اجتماعی"، "تماس های مداوم با اعضا"، "آشنایی با بزرگان حوزه ی انتخابی خود و رای دهندگان" برخی از نکات عمده در این فاز هستند که کمی خواهند شد تا بتوانیم پروسه ی انتخاب در این فاز (فاز ۲) را هم تراز کنیم و اطمینان حاصل کنیم که مقایسه ی یکسانی بین دو کاندیدای نهایی انجام خواهد شد و پروسه ی عادلانه، و



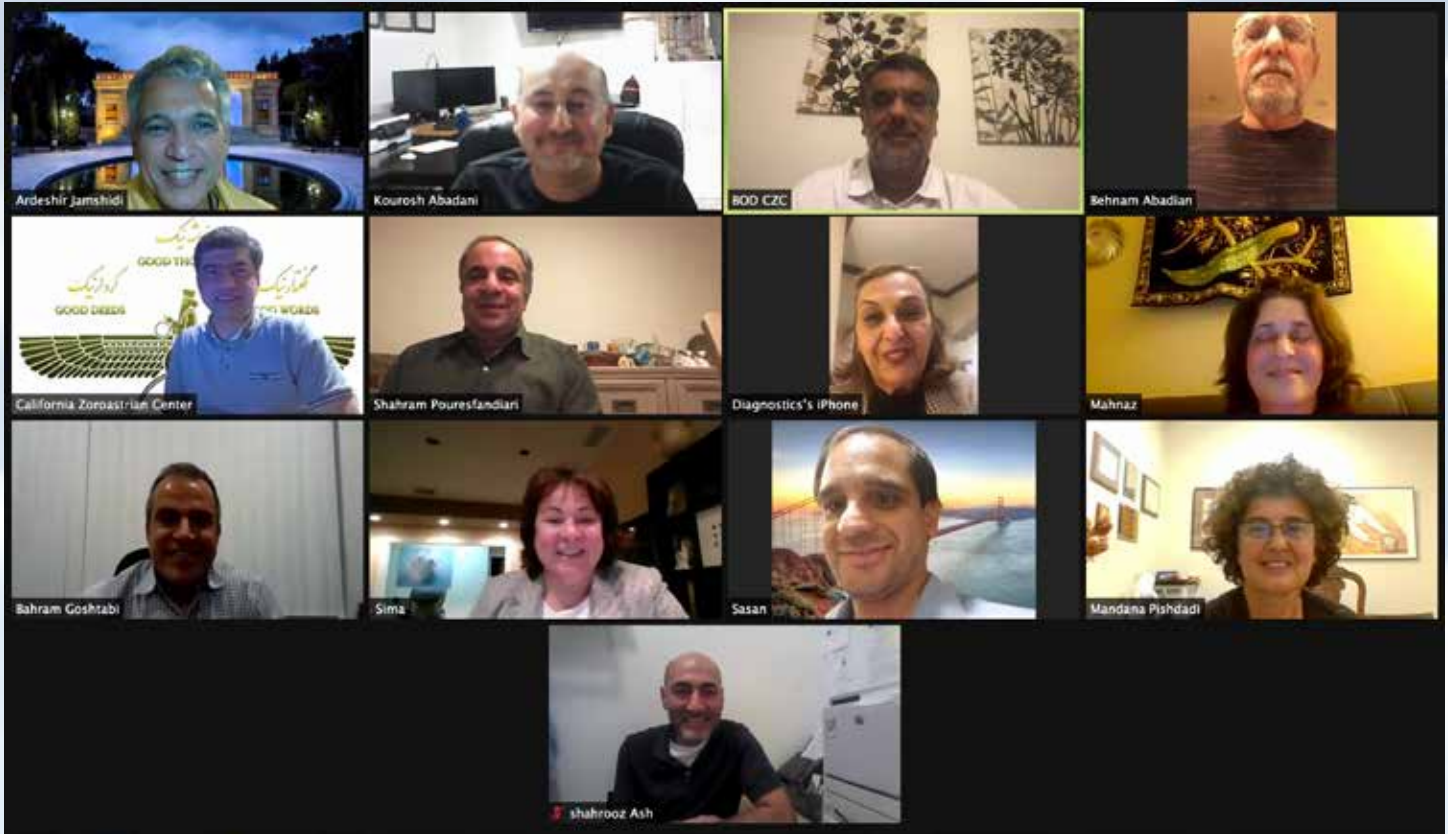
دکتر خسرو اسفندیار مهرفر متولد تهران ایران بوده و در سال ۱۹۷۹ برای ادامه تحصیل به آمریکا می‌آید. دکتر مهرفر یک زرتشتی ایرانی کنشگر در کارهای مختلف فرهنگی و اجتماعی است که با همسر و خانواده خود در کالیفرنیا جنوبی زندگی می‌کنند. دکتر مهرفر بنیانگذار انجمن کوروش بزرگ، سازمان ابتکار زرتشتیان، یکی از بنیانگذاران کنکاش فرهنگ ایران می‌باشند.

گلستا غیبی متولد کرمان می‌باشد و ۵ سال پیش به آمریکا مهاجرت کرده است. گلستا در حال حاضر دانشجوی رشته ی شیمی در دانشگاه برکلی کالیفرنیا می‌باشد. به شعر و ادبیات علاقه ی فراوان دارد و در اوقات فراغت شعر می‌سراید. اشعارش بیشتر در مورد ایران و دین زرتشتی است

از قبیل تقبیح رقیب و یا شخصی سازی انتخابات دور خواهیم ماند. مهم است که توجه داشت و شاید لازم به تکرار است که یکسری اصول مهم و اولیه ی اساسی در فرهنگ پارسی ما و در دین ما (اساس این فرهنگ) وجود دارند که ما همیشه احترام گذاشته و پیروی می‌نماییم. گذشته از همه ی اینها، دلایل متعددی که در مقاله ی اول در چاپ قبلی چهره نما ارائه گردید، همگی اشاره به این واقعیت است که "ما زرتشتی هستیم"، مردمی که فارغ از ایالتی که در آن ساکن هستیم، با راستی، درستی و نجابت زندگی می‌کنیم. همه ی ما میراث داران پیشینه ای افتخارآمیزیم که هیچ کدام نباید "آن را به رخ بکشیم" اما همگی "به آن می‌بالیم" و "از اهرم قدرت آن استفاده می‌کنیم". همانطور که در آن مقاله توضیح داده شد، این دلایل تاریخی از جمله نیروهای اصلی برای انگیزه دادن به هریک از ما هستند که این پروژه را شروع کرده و به سمت موفقیت پیش ببریم.

در تاریخ 4 نوامبر سال گذشته و یک ماه بعد از نوشتن این مقاله، اولین نماینده ایرانی مجلس نمایندگان به نام خانم استفانی بایس همسر آقای جفری بایس به این افتخار نایل شدند. به خانم استفانی بایس که از طرف مادر آمریکایی و پدر ایرانی هستند تبریک و شادباش گفته و برایشان آرزوی بهترین‌ها را داریم. متقابلاً هدف ما از انتخاب اولین ایرانی زرتشتی به انتخاب اولین زرتشتی مجلس نمایندگان آمریکا تبدیل خواهد شد. تمامی قسمت‌های دیگر برنامه ریزی شده این هدف پا برجا و دست نخورده باقی خواهند ماند.

متوازی خواهیم داشت. در آخر، زمانی که یکی از ۲ کاندید توسط تیم پروژه و طی یک پروسه ی رای‌گیری یک به یک انتخاب گردید، فاز ۳ آغاز خواهد شد که به طور خلاصه بسیج کردن تمامی منابع موجود و وصل کردن تمامی افراد و نهادهای پشتیبان برای حمایت از کاندیدای نهایی است. این پشتیبانی شامل اداره کردن یک کمپین رسانه ای در مطبوعات و رادیو و تلویزیون محلی، منطقه ای، و ایالتی است. نیازی به ذکر نیست که به عنوان یک کاندید ایرانی زرتشتی کنگره ی آمریکا، ما همگی بایستی همواره درستی، نجابت و راستگویی خود را حفظ نماییم؛ تمامی صفاتی که ما به آنها معروفیم، حداقل در میان هموطنان ایرانی آمریکایی خود. ما کاندیدای خود را به این طریق و با اصول اخلاقی که پدران و مادران و نیاکان ما را با آن تعلیم و تربیت نموده اند، عرضه خواهیم داشت و از هرگونه رقابت منفی



مرکز زرتشتیان کالیفرنیا با همراهی گروه گهنبار مرکز، گهنبار چهره میدیامر گاه را از ۱۲ نپمروز روز یکشنبه ۳ ژانویه با روش زوم برگزار نمود واز همکیشان گرامی درخواست شد با شرکت در این گهنبار هم بهره شده و به سبب کم هزینه بودن اجاری گهنبار با زوم دهش گهنبار خود را برای دیگر نیازها به مرکز ارمغان دهند - گروه آموزش مرکز زرتشتیان کالیفرنیا شاخه اورنج کانتی، کلاسهای آموزش دینی و فارسی را برای دانش آموزان در رده های سنی ۶ تا ۱۸ سال برگزار نمود این کلاسها شامل: آموزش اوستا، آموزه های دینی، خواندن و نوشتن فارسی، ضرب المثل و تفسیر شاهنامه، تاریخ ایران باستان، تفسیر گاتها و کاربرد آن در زندگی، دوره ی دوم این کلاسها در روزهای شنبه و یکشنبه با زوم برگزار می شوند. برای آگاهی بیشتر و نامنویسی به گروه آموزش ایمیل بزنید

-پانزده مهر چهلمین سال درگذشت ارباب رستم گیو است. خیراندیشی که دهش های سخاوتمندانه اش چه در ایران و چه در خارج از ایران سبب نگه داری دین اهورایی اشوزرتشت و پاسداشت فرهنگ غنی ایرانی شده است اوستا خوانی برای یادبود درگذشت بانو مروارید گیو، ۱۲ نپمروز یکشنبه ۱۰ ژانویه برگزار شد. از درگاه اهورامزدا برای روانشاد رستم گیو و همسر گرامیشان مروارید خانم گیو آرامش روان و سرای سرود خواهانیم

- گروه هنر مرکز زرتشتیان کالیفرنیا نمایش رادیویی سیاوش را که برداشتی از داستان سیاوش شاهنامه می باشد را آماده و در پادکست مرکز زرتشتیان کالیفرنیا قرار دادند. برای شنیدن این برنامه می توانید به نشانی زیر بروید
<https://www.czc.org/podcast/episode/da02037e>

به آگاهی می رسانیم که این نمایش و برنامه های بیشتر را می توانید در پادکست مرکز هم بشنوید. برای دستیابی به این برنامه ها کافی است مرکز زرتشتیان کالیفرنیا را به فارسی و یا انگلیسی در این پادکست ها جستجو کنید.
 czc.org/podcast

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برنامه های زیر را با زوم برگزار نمود

- بزرگداشت استاد ایزد ۹۵-۱۰:۳۰ باامداد
- دین دبیره با دکتر نوشین جهانگیری ۹:۳۰ تا ۱۰ باامداد شنبه
- شاهنامه خوانی با دکتر چاپچی ۱۲-۱۰:۳۰ شنبه
- نیایش با موبد فریبرز شهزادی از ۱۲ تا ۱۲:۳۰ یکشنبه
- رهایی از برجسبها به دین زرتشت" با دینا مکناتیر دومین شنبه هر ماه از ۲ تا ۳ پسین
- سری برنامه های تعادل فکر وجسم با همکاری گروه پزشکی شفاو سفیر جهانی خنده (استاد پرورش) بر اساس طب شرقی به همراه تایچی و مدیتیشن از ۹:۱۵-۱۱:۴۵ یکشنبه ها
- نیایش با موبدان مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از ۱۲-۱۲:۳۰ یکشنبه ها
- زندگی شیرین با خانم فرشته مزیدیستی-روانکاو و استاد روانشناسی در دانشگاه
- سری برنامه های پرسش و پاسخ در مورد مسایل پرورش کودکان و نوجوانان اضطراب و نگرانی های شدید افسردگی خشم و عصبانیت و مسایل دیگر به خصوص در دوران کوید ۱۹ این برنامه به زبان فارسی و چهارمین یکشنبه هر ماه از ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ باامداد برگزار می شود



موبد کوروش نینکام جشن سده



- پرسه‌ی همگانی اورمزد و اسفندماه برای گرمی‌داشت جانباختگانی است که در تاخت تازیان (یورش عرب‌ها) به ایرانیان جان سپرده‌اند. به فراخور امروز شنبه ۱۳ فوریه ۱۲ نیمروز موبد اوستاخوانی نمود

- پیام زرتشت، مروری بر سرود اول گاتها با پرسش و پاسخ. با شهروز اش. ۲ سپین یکشنبه برگزار شد

- با توجه به پایان یافتن دوره ۲۲ گروه مدیران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا در ماه می ۲۰۲۱، در روز یکشنبه ۲۱ فوریه از ۱۰ بامداد با زوم نشست همگانی برای برگزیدن پنج هموند برای گروه نگرش بر گزینش و همچنین گزارش مالی برگزار شد.

آگهی

--نیایشگاه برای استفاده همه هموندان و همکیشان باز می‌باشد. خواهشمندیم کتاب اوستا، روسری و کلاه را با خود بیاورید. اگر نشانه‌های بیماری را در خود می‌بینید از آمدن به مرکز خودداری نمایید.

- از همه هموندان درخواست میشود که هموندی خود را برای سال ۲۰۲۱ نو نمایند - به مرکز دهش نموده و از بخشودگی مالیاتی برخوردار شوید. با دهش خود مرکز را یاری نمایید

- تارنامای www.ZconnectOnline.com که بوسیله جوانان داوطلب و با پشتیبانی مرکز زرتشتیان کالیفرنیا آماده شده پلی پیوندی است بین همه زرتشتیان در هر جای گیتی. برای نمونه در این تارنما شما می‌توانید به امکانات زیر دسترسی داشته باشید: همه انجمن‌ها و ارگان‌های سراسر جهان می‌توانند برنامه‌های خود را با بهره‌گیری از این تارنما آگاهی‌رسانی کنند. افراد با دلبستگی مشترک میتوانند یکدیگر را پیدا کنند. جوانان می‌توانند با بهره‌گیری از این تارنما گردهمایی، اردو و یا هر گونه برنامه‌ای را آماده و به آگاهی دیگران هم برسانند. در این تارنما بخشی برای کارایی موجود است که کارفرماها و افراد جویای کار می‌توانند با هم در تماس باشند. خدمات دهنده‌ها



- در این دوران پندمیک و دوری از عزیزانمان با شرکت در برنامه خرید آنلاین شکلات هم عزیزان خود را شاد کردیم و هم به مرکز زرتشتیان کالیفرنیا یاری رساندیم. -رادیو ۶۷۰ با همکاری مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برای بیماران بیمارستان کودکان شهر لس‌آنجلس بازیچه نو و کادو نشده، گیفت کارت، پتو و جامه گردآوری نمود. -مرکز زرتشتیان کالیفرنیا با یاری گروه جشن‌ها آیین جشن سده را با زوم جمعه ۲۹ ژانویه برابر با ۱۰ بهمن و روز مهر ایزد از ۶ سپین برگزار نمود. در این جشن موبد کورش نیکنام و بانو هما ارزنگی گفتگوی داشتند. گروه هنر مرکز زرتشتیان کالیفرنیا و گروه نغمه رامشگران از ایران به همراه نقالی بانو کمند هنرنمایی نمودند. آتش افروزی آتش جشن سده همراه با موبد اشکان باستانی و دف نوازان به صورت زنده پخش شد -آیین اوستا خوانی درگذشت اشوزرتشت در روز خور ایزد و دیماه برابر با ۲۵ دسامبر از ۱۰ بامداد با زوم برگزار شد



آقای بهرام و بانو گیلدا کسروی ۵۰۰۰ دلار برای چاپ کتابهای مذهبی
 دکتر بیژن تیمساری ۳۰۰ دلار برای نیازمندان
 آقای رشید مهین ۲۰۰۰ دلار برای دانشجویان نیازمند
 آقای خسرو و پریدخت ضیا طبری ۶۰۰ دلار
 آقای پیران سیوشانسی ۵۰۰ دلار
 آقای فرهاد کمدار ۳۰۰ دلار
 بانو مهرناز گیو ۲۰۰ دلار
 بانو گوهر پوروفاداری ۵۰ دلار
 دکتر رامبد امانی ۲۰۵۰ دلار
 بانو مهرناز مهداد ۱۰۰۰ دلار
 آقای دینیار دمهری ۱۲۰ دلار
 بانو گلی فروغی ۱۰۱ دلار
 آقای رشید ورهرام و بانو پروین مرزبان ۱۲۰ دلار
 دکتر اردشیر فرشیدی ۳۳۰ دلار
 آقای فرهاد و گوهر بانو کمدار ۲۰۰ دلار
 بانو بانو شهزادی ۳۰۰ دلار به نامگانه ی روانشاد بهناز شهزادی
 بانو بانو شهزادی ۳۰۰ دلار به نامگانه ی روانشاد شابهرام شهزادی
 دهشمند ۱۰۰ دلار
 بانو نگار مهرآیین ۱۰۱ دلار
 آقای رستم و بانو پریچهر سلامتی ۱۵۰ دلار برای گهنبار
 آقای فرزین نوروزی ۲۰۰ دلار برای کمک به نیازمندان
 بانو ماهرخ نامداری ۵۰۰ دلار برای کمک به نیازمندان
 دکتر خوش سر ۱۰۰ دلار برای کمک به کلبه فارسی
 بانو فرانیه پور کیانی ۱۰۰ دلار برای کمک به کلبه فارسی
 خیراندیش ۱۰۰ دلار برای کمک به کلبه فارسی
 آقای شهریار کاووسی ۱۰۰ دلار برای کمک به کلبه فارسی
 بانو فرشته یزدانی خطیبی به همراه آقای شابهرام یزدانی بیوکی ۱۵۰۰۰ برای بازسازی
 ساختمان مرکز
 آقای هرمز جاودانی ۵۰ دلار برای چهره نما
 بانو آرتیسیس جوانشیر ۱۵۰ دلار برای چهره نما به یاد دکتر جعفری
 بانو تهمینه همزمان ۱۰۰ دلار
 دکتر تیرانداز گشتاسبی ۱۰۰ دلار برای نیایشگاه
 بانو فیروزه ارغوانی ۱۵۰ دلار

و افراد صاحب پیشه می توانند در این تارنما آگهی بدهند. با استفاده از این تارنما افراد می توانند فرآورده های خانگی خود را به گونه آنلاین خرید یا فروش کنند. این تارنما از تاریخ ۱۵ سپتامبر راه اندازی شده و برای استفاده آماده است. برای دیدن آگهی های موجود و یا برای دادن آگهی از تارنمای <https://www.zconnectonline.com> دیدن نمایید.

گروه هنر مرکز زرتشتیان کالیفرنیا آموزشهای دف ،تار، گیتار ، رقص و پیانو را با فرید قاسمی ، فرین سرداری ، داریوش خواجه نوری ، شیرین گلزاری و فرامرز رشیدی به صورت حضوری و غیر حضوری برگزار می نماید برای آگاهی بیشتر به مرکز زنگ بزنید

دهشمندان

آقای هوشنگ روحانی و بانو گلی امانی ۱۰۱ دلار
 آقای مهران و بانو شعله هورمزدی ۲۵۰ دلار
 آقای کامبیز و بانو هما یگانگی ۱۰۰۰ دلار
 آقای خداداد کاویانی ۱۰۱ دلار
 آقای شاهجهان کسروی ۱۰۰ دلار
 آقای هوشنگ روحانی و بانو گلنار امانی ۲۰۰ دلار
 بانو سیما شیدفر ورجاوند ۲۰۰۰ دلار
 دهشمند ۱۰۱ دلار
 بانو مهرنوش خورشیدیان ۲۰۰ دلار
 بانو پریدخت کیهانی ۱۰۰ دلار برای گهنبار و نیازمندان
 بانو پریدخت کسری زاده ۲۰۰ دلار
 دکتر تیرانداز گشتاسبی ۱۰۰ دلار برای نیایشگاه



آقای رشید مهین ۱۰۰ دلار اوستا خوانی برای روانشاد منوچهر شیدفر
 آقای سهراب خدیوی ۱۰۰ دلار اوستا خوانی برای روانشاد افلاطون سروشیان
 بانو گلی امانی ۲۰۰ دلار اوستا خوانی برای روانشاد شیرین مهربان مهربانی پور
 بانو گلی امانی ۱۰۱ دلار اوستا خوانی برای روانشاد بهمن کاووس امانی
 آقای رامین امانی ۱۰۱ دلار اوستا خوانی برای روانشاد بهمن کاووس امانی
 دکتر رامبد امانی ۱۰۱ دلار اوستا خوانی برای روانشاد بهمن کاووس امانی
 به نامگانه روانشاد پروین همتی فرهنگی ۱۰۰۰۰ دلار
 بانو ونوس ویژه کشورستانی ۱۶۵ دلار
 بانو پردخت کامیار ۱۰۱ دلار اوستا خوانی برای روانشاد رستم خداداد غیبی
 بانو مهرانگیز جم زاده ۱۰۰ دلار اوستا خوانی برای روانشاد شیرین مزدایی
 بانو فرنگیس جم زاده ۱۰۰ دلار اوستا خوانی برای روانشاد شیرین مزدایی
 بانو پوراندخت سلامتی مهرفر 101 دلار اوستا خوانی برای روانشاد اسفندیار مهربان
 مهرفر



آقای گشتاسب دشتکی ۳۰۱ دلار
 آقای فرهاد فرزانه ۱۰۱ دلار
 آقای پدرام رحیمی کیان ۱۰۰ دلار
 آقای داریان دهموید ۱۰۱ دلار
 آقای فرهاد بنداریان ۵۰۰ دلار
 بانو فراتک قندهاری زاده ۱۰۱ دلار
 بانو میترا یزدانی بیوکی ۱۰۱ دلار
 بانو میترا زارعی زاده ۱۰۱ دلار
 بانو ساغر جوانشیر ۱۰۱ دلار
 آقای جمشید فرامرزی ۲۵۰ دلار
 بانو ناهید جعفری ۵۰ دلار
 آقای رشید کمدار ۱۰۱ دلار آقای بابک گشتاسبی ۲۰۰ دلار
 با همیاری و همزوری آقایان اردشیر مهرشاهی و رستم رستمی عصرآبادی شکستگی
 درب ورودی مرکز و ساختمان فرهنگی جوشکاری و درست شد. از پشتیبانی همیشگی و
 بدون چشم داشت ایشان سپاسگزاریم.

اوستا خوانی

آقای بیژن شایسته ۵۰ دلار اوستا خوانی برای روانشاد اسفندیار داراب شایسته
 بانو پردخت کامیار ۱۰۱ دلار اوستا خوانی برای روانشاد فرنگیس منفرد غیبی
 دهشمند ۱۰۱ دلار اوستا خوانی برای روانشاد اسفندیار رستم فرودیان
 بانو پروانه نمیری کلاتری ۱۰۱ دلار اوستا خوانی برای روانشاد رشید آبادان ضیاطبری



گروه رقص نوجوانان مرکز زرتشتیان کالیفرنیا



لس آنجلس

اقای ایرج پزشک زاد نویسنده شهیر ایرانی از مجسمه کورش بزرگ در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا شاخه ی لس آنجلس بازدید نمودند و بعد از این دیدار دل نوشته ای را برای مهندس بهنام آبادیان نوشتند که به شرح زیر است:

از خیلی وقت پیش می شنیدم که گروهی از هم وطنان زرتشتی ما در کالیفرنیا برای یادآوری عظمت و درخشش تمدن ایران باستان به امریکاییان، دامن همت به کمر زده و چند مرکز فرهنگی برای پژوهش های تاریخی و فرهنگی و هنری ایجاد نموده اند . ضمن این خبر، آن چه به خصوص به دلم نشست بود خبر برپایی یک مجسمه تمام قد از کوروش کبیر در مرکز فرهنگی زرتشتیان شهر لوس آنجلس بود که بسیار آرزومند دیدارش بودم .

در سفر اخیر به امریکا در شهر لس آنجلس، از دوست عزیز گرانقدرم مهندس بهنام آبادیان که خود سازنده و بر پا دارنده این مجسمه است، خواستم که از راه لطف، شخصاً مرا به دیدار این مجسمه راهنمایی کند. با سعه صدر پذیرفت. در برابر این مجسمه بالا بلند شکوهمند، بعد از بسیار آفرین بر احساس پاک و کارآمدش، آرزو کردم که بتواند بعد از رفع موانع کنونی، مشابه این مجسمه را در شهرهای ایران و دیگر شهرهای بزرگ دنیا بر پا کند تا ضمن یادآوری گذشته پر افتخار این سرزمین به فرزندان ما، برای حاکمان آینده ایران درس و سرمشقی از قدرت همراه با عدالت و بشر دوستی باشد.

ایرج پزشک زاد

فعالیت مرکز زرتشتیان کالیفرنیا - سن دیگو در زمستان 1399 خورشیدی

بسیاری از فعالیت های این مرکز نیز با همه گیری بیماری کرونا و ویروس کووید 19 دچار وقفه شد ، لیکن مرکز سن دیگو با همت و کوشش هموندان توانست کماکان فعالیت خود را بشرح ذیل ادامه دهد.

دهشمندان :

با خرید See's Candies Yum-raising افراد ذیل با شرایط از پیش تعیین شده شیرینی فروشی شیرینی " سال نو میلادی" و " شب چله " بخشی ار سود شیرینی فروشی را به مرکز سن دیگو اختصاص دادند. شبنم پاکسرشت ، ژاله ، فرین کیخسروزاده ، شیرین منوچهری ، میترا یزدانی بیوی ، میترا فلفلی و آقای پرویز منوچهری. همچنین افراد ذیل با دهش خویش، فیسبوک Giving Tuesday به مرکز دهش رساند.

بانوان: پریسا یزدانی ، نسرین اردیبهشتی ، فرین ایرانپور ، مهرنوش کیانی، نازی گیو ، شبنم پاک سرشت ، شیرین منوچهری ، آریتا کادمی، گلی جمشید فروغی . آقایان: بهنام آبادیان، کامران، ارزان سمواریان ، آرمان آریانه، پرویز منوچهری ، جمشیدی ، داریوش باستانی ، مازیار باستانی ، شهرام شهریار پور ، نوید منصوریان . اهورامزدا پاداش خیر به دهشمنان ارزانی بداد. کلاس قصه گوئی برای نونهالان 4 تا 8 ساله با سرپرستی بانوارمغان زندیان با روش غیر حضوری ادامه دارد. جامعه زرتشتیان سن دیگو در جشن سده و جشن سپندارمذگان نیز حضوری فعال داشتند.

California Zoroastriann Center
8952Hazard ave
Westminster , Ca 92683

Non-profit Org
U.S. Postage
PAID
Permit No. 12300
Huntington Beach, CA 92647

Chehreh Nama

Publication of California Zoroastrian Center



Haft Seenee

Interview with Dr Susan Abadian

Peace in Gathas

WWW.czcjournal.org



197
Mar 2021

Editor's note :

Happy Spring Equinox, as we officially enter our second pandemic Nowruz celebration. This past year has made it vividly apparent what we need to be thankful for and what we must not take for granted.

Thankful to have survived this past year, thankful for family and friends and kindness of strangers. Thankful for technology that allowed us to stay connected when forced into isolation; thankful for intelligent scientists who produced an effective vaccine in record time. Not take for granted having a community, being able to embrace each other. Freedom to eat at a favorite restaurant, take a last-minute trip or drop by a friend's house were all liberties I for one took for granted before.

So, I choose to look at the glass half full. Innovation and entrepreneurship are at an all-time high; we have all become more aware of our footprint on our environment as we saw how our stay at home positively impacted the air, nature, animal and plant kingdom. We have all become aware of how our social behavior impacts disease transmission and life will never be conducted after the pandemic with the same blinders we had on before. Work force has become more aware of how some jobs can be done from home just as effectively saving the employer office space rent and having happier employee by saving them a long drive.

Here is to 3759 Zoroastrian Nowruz and may it bring health, happiness and prosperity to all.

**Ushla,
Fariba**

California Zoroastrian Center
8952 Hazard Ave Westminster, CA 92683

Chehrenama's Email :
cninfo@czcjournal.org

Tel : (714)893-4737

Fax: (866)741-2365

czc publication's website :
www.czcjournal.org



You can now donate online to any czcpublication go to :

www.czcjournal.org and the bottom of the page you will see following please consider donating to chehrehnama

Thank you

CZC will send you IRS accepted receipt for any amount of donation

Chehrenama accepts advertisement, please contact us via
czcjournal.org or call CZC office

Graphic Design & typesetting :

Kevin Yektahi

Internet :

Ramin Shahriari

Graphic Designer

Kevin Yektahi

Awarded for best director and best movie in Iran animation festival (2010)

- * Business Cards & Logo Design
- * Letter Heads & Brochure Design
- * Photographer
- * E-mailer Design or Banner Design

Email: kevinjektahi@gmail.com

Tel: 949 2787675



Editorial Policy :

The opinions expressed in articles we publish are those of the authors , and may or may not represent the views of the Editorial Board of Chehrehnama, or the Board of Directions of CZC

Chehrehnama is a quarterly publication published in March, June, September and December

This publication is printed with the help of donation from Morvarid Guiv Trust

چهره نامه
Chehreh Nama

HAFT SEENEE هفت سینی

THE NOW ROOZ TABLE

By Fariborz Rahnamoon



Yes, you read it correctly it is SEENEE (Tray) هفت سینی not the alphabet SEEN س which is of recent origin but has been repeated over and over again giving it legitimacy.

If you have paid attention to any traditional Nov Rooz table or even for that matter a table set up by western businesses to solicit Persian customers, you will notice on that table, some coloured eggs, a pomegranate, a live fish in a bowl, a mirror to name just a few obvious ones for argument sake. None of their names starts with the alphabet SEEN. س. There are many other items like them.

So, if these items do not start with the letter "S" why are they there? Are they not supposed to be Seven items starting with "S" س?

The Iranians culture is a very sophisticated ancient culture and the Iranians are known for their high standards and good taste, they like the table of their most important festival to be a Majestic one, not a skinny one with seven little containers with dull brown items like Sanjed, Sumag, and Samanu, which in the end have to be dumped. Rich or poor they like to arrange the most colourful table they can for their guest to partake from it and they keep replenishing them.

Moreover, their ancestors were called Wise Men, more than 2000 years before Galileo they knew the Earth was not the centre of the Universe. So, for sure they had a very meaningful message to pass-on through the Now Ruz table that they spread.

For that matter in Afghanistan, they arrange their table with SEVEN types of fruits or dry fruit, with no consideration for the alphabet "S". They call it Haft Mewa.

We also read in history that people germinated SEVEN types of grain as a symbol of No-Rooz.

Among the Bas-relief in Persepolis, we see representatives of various nations in groups of seven carrying gifts for the King of Kings.

In ancient times they spread a majestic table by placing Seven Trays (HAFT SEENEE) on the table and in them they placed numerous items some symbolic others decorative, irrespective of how their names are spelt.

What is common in all of these is the number SEVEN so the real symbol of the Now Rooz Table is the number SEVEN and it represents the SEVEN ETERNAL LAWS OF NATURE which has been derived from nature and mentioned in the Gathas by Zarathushtra. Later it had to be camouflaged to survive the Cultural Genocide, and luckily it has. So, let us now revive it.

Truly, the Asha (2) derived

By the Good Mind (1)

Never before known

Among the wise and all creation
With it, make Good Rules (3) and never waning
Increasing Righteousness (4)
Leading us towards Perfection (5)
Zarathushtra – Gatha -Yasna Ha 28.3 (FR)

And those who are righteous are known for
Good deeds and use of the wise mind
In harmony with Wisdom in Creation

Their aim achieved
Their desire assuredly happiness
Their reward, knowledge and
being known as, righteous,
faithful and are praiseworthy (6)
Zarathushtra - Gatha - Yasna HA 28.10 (FR)

These verses were later canonized to guide the path in life and were pursued by all.

- 1- Good Mind– Use your Good Mind to inquire and learn the
- 2- Ultimate Truth- the Laws of Nature- the knowledge in Nature -Use them to make
- 3- Good Rules – Good Laws- Good Products – Which will lead to
- 4- Lawful Desire – Righteousness – that will pave the way toward
- 5- Perfection – Mental, Physical and Spiritual – which will lead to
- 6- Immortality –(a) In Death being remembered for your good work for generations

(b) In Life by losing the fear of Death –

resulting in oneness with
7- The Creator of Wisdom – Khod Ah - KHOD = Self AH = to come.

To understand God through Self Realization.

- 1-Vohu Mana - Bahman 2- Asha Vahista -Ardibehesht 3-Khash Atra Variya-Shahrivar 4- Spanta Armaiti-Espand 5- Hurvatata - Khordad 6-Ameretata -Amordad 7- Ahura Mazda KHOD-AH.
- The ancient Nov Rooz Table consisted of SEVEN TRAYS - HAFT SEENEE -to represent the Seven Eternal Laws of Nature, in the trays they put innumerable items, they even put a little broom. The message was in the Seven, not in the items.

WISHING YOU AND YOUR LOVED ONES A HAPPY HEALTHY AND PROSPEROUS

3759TH Nou Ruz

For full article and more information visit

<http://ancientiran.com/>

<http://zarathushticalendar.com/>

<http://gathas.ca/>

On July 2020, in light of the pandemic and the adjustments we had to make including social distancing, I had the privilege of attending a Zoom session led by Dr. Sousan Abadian through ZAMWI. Dr. Abadian in addition to introducing ARIA a self-help strategy, talked about individual and collective trauma and how our reaction and perception as individuals, community, or nation can shape the future generations. Intrigued by her discussion, I found myself asking more questions to bring into light our Zoroastrian trauma history and how as individuals and as a community we can respond to trauma in a positive manner. In an online interview, and through shared material from a previous interview by Council of Persian Culture, I hope to share Dr. Abadian's insightful .responses with Chehreh Nama readers

This interview will be printed in three sections, 2020 Winter, 2021 Spring, and Summer editions of Chehreh Nama .magazine

Artemis Javanshir

Collective Trauma Interview with Dr. Sousan Abadian

By Artemis Javanshir

Part 2

The first of the three-part interview with Dr. Sousan Abadian about individual and collective trauma was published in the Fall 2020 edition of Chehreh Nama Magazine. The second part of this interview offered in this edition, is focused on Iranian and Zoroastrian trauma. This article was compiled through an online interview with Dr. Abadian and shared manuscript by Council of Persian Culture.

Would you talk about the Iranian collective or group trauma?

Historically, probably the most devastating collective trauma that Iranians experienced was the Arab conquest of Iran. Of course, Iranians also experienced the Mongol invasion, and more recently, the Iran-Iraq War; and the continued global isolation of Iran has its own traumas associated with it. The Iranian Revolution was also very traumatizing for many.

Would you tell us how Iranians were affected by collective trauma?

Well, this topic is huge but let me give you one example of our culture being compromised and the continued effects. When Alexander the Macedon conquered Iran, his forces were responsible for destroying many revered monuments, burning religious shrines and relics, as well as massacring Zoroastrian religious teachers. Given that the faith was pretty much an oral tradition, this pointed destruction and killing interfered with religious transmission as well as damaged the capacity of Zoroastrians of the time to heal and recover.

Also, on a cultural level, the Greeks of that era were the embodiment of what we might today term "toxic masculinity" and they infected Iranian culture. Iranian men were shamed for being what the Greeks considered "effeminate," in part because, traditionally, given our Zoroastrian heritage, women and men had a relatively egalitarian relationship.

For example, there are records of Greek men noting with surprise and actually disdain that Iranian men wouldn't make major decisions without first consulting their wives. For the invading Greeks, women were no more than chattel, secluded and excluded from public life. So, you could see how Greek domination over a period of two centuries might have distorted Iranian beliefs and practices around gender and the necessity of covering women, for example.

Now, the Arab invasion and conquest could be considered even more destructive to our culture. I'm not going to go into detail here, but what's clear to me is that Iran has yet to reckon with the truth of the brutality and continued damage. History continues to be written by the conquerors. Just like it served the American settler population to demean Native Americans and their culture in order to justify stealing their lands and exploiting them, those who colonized Iran set upon (1) creating a caste system in which non-Muslim Iranians were discriminated against and severely penalized; (2) demoralizing Iranians by destroying elements of the pre-Islamic Iranian culture (for example, our system



of writing); (3) appropriating other Persian elements and claiming them as “Islamic” (i.e., our arts/aesthetic sensibilities, mode of governance); and (4) disseminated demeaning misinformation about Zoroastrianism. The Arab invaders painted themselves as bringers of a superior culture and religion that the Iranian population willingly accepted, when the truth may be anything but. And over the centuries, they’ve succeeded in brainwashing/socializing many Iranians to believe that this was the case. Historically, those propagating this false narrative discriminated and committed genocide against Zoroastrians and those who could speak to a different truth. Everyone had to paint a rosy picture of Islam’s incursion, or else.

How do you think Iranian Zoroastrian culture has been affected and has responded to the chronic collective trauma?

I haven’t formally researched this question but will offer some broad observations.

It is common for those subjected to chronic collective trauma and persecution to become vulnerable to trauma-based “better than/less than” thinking: that some people are better than or inferior to others. We may tend to compare ourselves with others, for example, and find ourselves lacking in some way (falsely believing “we are less than others”). Or we can be unwelcoming to those we think are different (falsely believing “we are better than others”).

So, for example, while I have spoken here about the damage of the Arab conquest

of Iran, (and it’s necessary for us to acknowledge what has happened), this does not mean that Arabs or Muslims are in any way to be considered inferior, to be treated disrespectfully, or to be excluded from our circles. Also, any prejudice based on skin color or so-called “race” is an outgrowth of trauma thinking. Race is a human construction and has little, if any, basis in biology. Differences are real but they can be a source of unity; they don’t have to divide us. Our faith sees all of humanity as fragments of the divine: no one is

intrinsically better or less than any other. Our spiritual philosophy was never meant to be limited to a particular tribe or so-called “race.” We have never seen ourselves as being “chosen by God” – we see all of humanity as “chosen.”

Also, as I’ve mentioned, attempts were made to deliberately wipe out important elements of our Iranian pre-Islamic culture. What we have in common with other communities who have undergone this form of extreme collective trauma – cultural trauma – is that many of us don’t really know our faith. For example, there are those who mistakenly equate being a “good” Zoroastrian with practicing various rites and rituals in some precise or “correct” fashion. While rituals can serve an important function, can soothe and deeply nourish us, there’s a great deal more to our faith and culture than observing rituals and following human-constructed “religious rules.” What I find exciting is that Iranian Zoroastrians (as well as Parsis) are in the process of rediscovering who we are and teasing out the essence of our tradition. In a way, it’s a confusing time, full of competing claims about what being a true Zoroastrian might be. But this process is necessary as the community at large sorts out what resonates as truth today – and therefore worth keeping – from interpretations of our religion that we might consider tossing (i.e., various “purity laws” including those having to do with women and their menses). Our culture is so old and as a result, has layers of influence and interpretation. I’m an advocate for going back to some of the simplicity of early teachings (pre-Sasanian), and applying them in the context of today’s world. Zarathushtra’s original revelations are enlightened and advanced. I’ll be going into this in more detail in the part 3 of our interview.

As part of the traumatic damage of not knowing the nuances of Zoroastrianism, many have lost faith in anything spiritual. In other words, there’s a subset of people who emphasize Zarathushtra being a purely rational philosopher, when there’s evidence that this is a misreading of who he was and what he taught. We are missing the heart of Zarathushtra’s message if we think rationality, science, and the spiritual-mystical cannot coexist harmoniously.

Our modern day world tends to elevate science, mechanistic, and rational thinking, and propagates the idea that spiritual understanding is archaic and the domain of the ignorant – “the opiate of the masses.” There’s a portion of our people who see things through this dominant lens. This is to be expected. Iranians in particular have seen up-close the damage of (Islamic) religious tyranny and have been traumatized by it. We have seen religion, dogma, and superstition used to manipulate and inhibit critical thinking and are



understandably mistrustful of the religious domains. To be honest, I too am mistrustful of organized religions! But I don't equate organized religions with the spiritual domain.

Some European Jews, after the shock of the Holocaust, consider themselves to be "cultural Jews" rather than "religious Jews" because they lost their belief in "God" or anything spiritual. They asked themselves, "How could there be a God? How could God have allowed the Holocaust to happen?" With the world the way it is, some of us might be asking similar questions. Of course, in our faith, humanity is given responsibility for our creations here on Earth, and the Zoroastrian notion of "God" is certainly not an old (white) man sitting up in Heaven meting out justice (or defending us against injustice). So, some Zoroastrians think it's the height of progressive thinking to deny the spiritual domain, considering themselves to be cultural Zoroastrians. They may be atheists or even "pretend agnostics." I say "pretend" because they're not really open or genuinely curious about the possibility that there are realms that our human mind cannot logically understand, measure, or control. I suspect that this narrow scientific-rationalistic way of interpreting our faith is not only a result of the influence of modernity, science, and westernization, but also an outcome of our collective trauma.

How has the Zoroastrian migration to India shaped their collective trauma?

I'm not a scholar on Parsi history, but off the top of my head, I can say that Iranian and Indian Zoroastrians are likely to have experienced very different kinds of collective traumas. The trauma that Indian Zoroastrians experienced may have more to do with the trauma of exile. This might have been similar, perhaps, to what many Iranians experienced leaving Iran after the Revolution, finding their place in a new culture, at the same time that they try to retain the preciousness of their Iranian identity. The traumas experienced by Iranian Zoroastrians has been more chronic, related to active persecution and genocide over many generations. Undoubtedly, Indian Zoroastrians intermingled and interbred with their Indian hosts, particularly in the early post-migration period. There's no shame in that: it's what tends to happen when people migrate. And yet, as refugees in exile, the pressure may have been to somehow remain "pure" Zoroastrian in order to not erode their identity and connection to the homeland. Not surprisingly, and influenced by Hindu caste system, they eventually constructed elaborate rules and pretenses about what being Zoroastrian is, denying their original intermingling and in an attempt to not lose touch with "home." None of this has to do with Zoroastrianism and

all of this is a trauma response. A non-trauma response might be to acknowledge and welcome the richness of hybridization.

You can connect with and subscribe to Dr. Sousan Abadian's newsletter by visiting sousanabadian.com. We invite you to read the final part of this interview in the Summer 2021 edition of Chehreh Nama magazine focusing on healing from trauma.



Dr. Sousan Abadian earned a Ph.D. in Political Economy and Government from Harvard University, an M.P.A. in International Development from Harvard's Kennedy School, and an M.A. in the Anthropology of

Social Change and Development, also from Harvard University. Her earlier research on healing the effects of long-standing collective trauma and cultural damage, a key contributing factor in violence and impoverishment, was described by Nobel laureate in economics Amartya Sen as "pioneering" and "highly original." She now has an independent practice speaking and consulting internationally on leadership, innovation, culture change, and her ARIA framework. She builds on her earlier work at Cambridge Leadership Associates facilitating workshops and speaking on Adaptive Leadership. Between June 2017 and June 2019, Dr. Abadian served as a Franklin Fellow at the U.S. State Department's Office of International Religious Freedom, Bureau of Democracy, Human Rights and Labor. Her portfolio included preventing violent extremism, rights of religious minorities in the Middle East and South Asia, gender issues, atrocity prevention, and cultural restoration. She has also had fellowships at MIT's Dalai Lama Center for Ethics and Transformative Values as well as at Harvard's Center for Public Leadership.



Artemis Javanshir enjoys reading about Iranian history and culture. She believes those who know their history will benefit from a unique wisdom and a wider outlook of the world. She lives in Southern California with her family.

8th World Zoroastrian Youth Congress: London calling! Spotlight on Youth Organisers

Article by Treasurer – Zeena Batliwalla

With the 8th World Zoroastrian Youth Congress (8WZYC) 2023 being hosted by the Zoroastrian Trust Funds of Europe (ZTFE) in the United Kingdom (UK) in Summer 2023, a dedicated team of youth volunteers have already commenced early groundwork to start planning and organising this momentous event. As part of a series of articles, we will be sharing the insights and visions of our 8WZYC organising team.

My name is Zeena Batliwalla (nee Maravala) and I am taking on the role as the Treasurer for the 8WZYC. I am currently a Manager at KPMG in the Audit Technical Programmes Team, developing and delivering technical training to the Audit business. I graduated in 2015 with a degree in Financial Mathematics with Professional Practice and completed my Chartered Accountancy in 2018 with ICAEW. Outside of work, I love spending time with my family, watching Bollywood movies and (trying to!) complete crosswords.

I have always loved being a Zarthusti and take pride in our beautiful and everlasting faith. I vividly remember one of my very first trips to Mumbai as a young girl, visiting Bikhaji Behramji's Kuo, and the warm and homely feeling, being surrounded by countless Zoroastrians on Ava Roj. I loved that feeling, so much so that I dreamt of getting married in an Atash Behram in the future. My dream came true in December 2018 and by the grace of God, that feeling was recreated. I wish to share that same feeling on the stage at the 8th World Zoroastrian Youth Congress!

For me, being a Zoroastrian in the UK is a privilege. It means I can be a melting pot within myself - from learning how to cook my favourite dishes with instructions from my Mum and Mother-in-Law to debating with my Dad and Father-in-Law about why we lost that last round of Hokum! Having family all over the world, means that I can combine the Eastern and Western practices of our culture and religion whilst still feeling close to my roots – something that I believe all our youth overseas strive to do and what we endeavour to bring to

this Youth Congress. When I heard that this 8th World Zoroastrian Youth Congress was to be hosted by ZTFE in the United Kingdom, I was inspired to get involved to showcase with pride what London has to offer to our global Zoroastrian



community! I am thrilled to be part of this monumental event and look forward to welcoming our amazing Zoroastrian Youth from across the globe.

As the Treasurer for the Congress, my main responsibilities include creating a master budget and ensuring this is adhered to by all. I am the first point of contact for approving any expenditure and keeping a general (but stringent!) check on whether our incoming donations match our outgoing plans.

At this stage of the Congress organisation, I have been busy crunching numbers and working with all the sub committees to ensure that we are planning for an affordable and inclusive experience for all participants. I have been heavily involved in negotiations with potential venues and I am extremely excited for what we have in store for 2023! I will also be working closely with the Entertainment Committee to ensure we have an extremely attractive, diversified and interesting set of events lined up and my hope is that this Congress will truly be memorable.

A great thing about being part of the 8WZYC committee is that I have the opportunity to get to know fellow young Zoroastrians. I am able to see what each individual brings to the team as well as their passion and enthusiasm for our Zoroastrian community, which is something I am incredibly proud of. This has already been such a wonderful experience and I cannot wait for what's to come in the lead up to 2023!



Peace, Virtue and Good Governance in the Gathas and beyond

By Rebecca Cann

In the eastern slopes of the Ural Mountains in the green grasslands of the Southern Russia lies an ancient settlement called Sintashta named after the nearby Sintashta River.

The settlement dates from the Bronze Age c.2100 BCE to 1800 BCE, when Zarathushtra lived. The inhabitants of Sintashta were the original speakers of Proto- Indo-Iranian language which later gave rise to ancient Persian and the Indic of the Rig Veda. Sintashta is also the birthplace of the first spoke wheel chariot. (See The Mystery of Sintashta People, April 2018 posted in Eurogenes Blog and Wikipedia and The Chariot Racers of the Steppes by Shanti Menon).

Sintashta settlement was highly fortified with the combination of rampart, ditches and a thick outer wall made of soil and wood that rose to 6 meters. Several towers protected the entrance and the access to water.

The archeological discoveries confirmed that Sintashta culture was plagued with intertribal warfare caused partially by the climate change and competition for resources. The violence then led to innovation in military tactics such as invention of chariots and increase in sacrifices to appease the gods. (Wikipedia)

Zarathushtra lived in a turbulent time in a place perhaps very similar to Sintashta. In his Gathas, Zarathushtra mentions the word Aramaity more than 30 times. Aramaity has been translated as piety by some scholars. However, Dr. Jafarey believes that the word Aramaity has the same roots as the Persian word Aramesh which means peace and tranquility.

Zarathushtra believed that peace is the product of righteousness (Song 7.10) and that peace accompanied by truth will promote strength and courage (Song 7.11). According to Song 12.1 of the Gathas peace will come to anyone who performs his/her duties based on truth. (Song 12.1)

Zarathushtra admired peaceful farmers calling them "humble intellectual" and "true leader of the lawful" (Song 16.5). In Song 13.11 of the Gathas, Zarathushtra prays for "peaceful dwelling and settlement" and asks, "who shall



establish peace against violence by the wrongful?"

While Zarathushtra views farmers as "promoters of good mind" (Song 4.10), he calls barbarian nomads "deceitful." (Gathas Song 4.10). The barbarians rode their war chariots roaming the great plains of Central Asia killing and plundering the peaceful farmers. Zarathushtra believed that with his thought-provoking message not warfare he could convince these ruthless warriors to settle down and change their violent lifestyle. (Song 1.5).

Only once in the Gathas (Song 4.18) Zarathushtra suggests to his followers to pick up arms against their enemies to defend themselves. After all, Zarathushtra is a pragmatic and knows that sometimes it is necessary for people to use arms to defend themselves. However, there is no evidence anywhere in the Gathas or in the Avesta to indicate that Zarathushtra promoted violence against his opponents.

In fact, Zarathushtra repeatedly advises his followers to put aside Aeshma or anger (khashm in Persian), which will lead to destruction and death. He urges his followers to react calmly. The composer of Srosh Yasht IV follows Zarathushtra's lead when he calls Aeshma "the fiend of wounding spear" and prays for peace "whose breath is friendly."

Zarathushtra's recommendation to his people to refrain from anger and hate influenced the Achaemenian King Darius the Great, when in his tomb inscription (Inscription B) he declares:

I am not hot tempered, the things that develop in me during a dispute I hold firmly under control through my mind, I am firmly in control of myself.

Zarathushtra believed that peace could be achieved when people chose competent, virtuous rulers. In Song 17.8 he prays for this:

Let by means of good rulers, killings and wounding be prevented



other appliances for removing disease.

Zarathushtra's image of perfect ruler who will act with "actions of good understanding and serenity" (Song 13.5) influenced the Persian King, Cyrus the Great, who was known as the "father" by his own people and even by his enemies, the ancient Greeks. Incidentally, the Greek author, Xenophon, in his book *Cyropaedia* admires Cyrus for his virtue and modesty.

Zarathushtra's emphasize on the importance of choosing a competent, truthful leader who can promote peace had a profound influence on the Enlightenment thinkers such as Thomas Jefferson, Ben Franklin, Ralph Waldo Emerson, Voltaire and John Adams to name a few. Thomas Jefferson, in particular, adopted Zarathushtra's views by studying Cyrus's life through Xenophon's *Cyropaedia*.

Dr. Richard Frye believed that Jefferson and King Cyrus the Great were "kindred spirits" (Page 10 of Richard Frye's article: *Jefferson and Cyrus* published summer of 2013), and that the "America's founders saw virtue as essential to the formation and subsequent development and preservation of the Republic they were founding." (Richard Frye's article, page 8)

In other words, the quality of leadership which was first advocated by Zarathushtra not only influenced King Cyrus and Darius but also many centuries later the American Founding Fathers and the American Revolution.

And peace be brought to homes and settlements. Let afflictions be gone!

He is the greatest who restrains violent death. And let this happen soon!

Zarathushtra understood the importance of a virtuous leader when in his Song 6.1 he declared that a good leader whether man or woman is the one who can do full justice to both the wrongful and the righteous.

Incidentally, centuries later, King Darius the Great reiterates Zarathushtra's views when he says:

By the favor of Ahura Mazda I am of such a kind that I am a friend of the Right and not a friend of the Wrong, it is not my desire that the weak man should suffer injustice at the hands of the strong, it is not my desire that the strong man should suffer injustice from the weak.

The medieval Zoroastrian text *Denkard* (Book 3 Chapter 46) describes the qualities of a virtuous as such:

A good ruler should protect defenseless women and children and order the erection of hospitals in cities and towns and placed them under the superintendence of every well-known physician approving of the happiness of the soul, and provided with appropriate medicines and



Rebecca Cann is the representative of the Zarathushtrian Assembly in San Jose and sits on the Board of Trustees (Zenhadaran) of Persian Zoroastrian Organization.

She is the author of the *My Little Book of Zoroastrian Prayers* and owns *Zoroastrian Kids Korner*, the only educational website designed for the Zoroastrian kids to learn about their religion, history and culture. Rebecca has a BA in Political Science and International Relations from San Jose State University and lives with her family in the Bay Area

THE MISTRANSLATION OF THE GATHAS

Fariborz Rahnamoon

Faith moves Mountains but freezes the Mind.

THE DISCOVERY

The Gathas, the Teachings of Zarathushtra was discovered from among the Yasna in the 1850s by Professor Martin Haug of Germany. At that time the Zoroastrians considered the Vendidad to be the most important part of the Avesta and for that very reason, it was the first to be translated by Western scholars. The reason for such belief was its compatibility with the Abrahamic system of beliefs.

THE ANCESTRAL KNOWLEDGE AND TRADITION

After the Arab invasion of Iran, and the persecution and Genocide that followed some Zarathushtis took refuge by boat to India. We see the plight of refugees who take the boat journey in the 21st century and should not imagine any better condition 1300 years ago. Those that braved the odds and remained steadfast to their religion in Iran were either killed or pushed into the deserts of Iran and treated as untouchables and third-class citizens. Their books were burnt and their libraries converted into Mosques. They were not allowed to learn to read and write and if they were found to be able to read and write it was considered a crime. When Maneckji Limji Haratria a co-religionist from India came to their rescue in 1854 he found only 7123 Zarathushtis, living in a despicable condition, in the land where they once ruled with benevolence.

The Riwayat's demonstrate that when the Zarathushtis in India had religious questions they got their answers from Iran. These brave Iranian survivors are the ancestors who have passed on the traditions and knowledge, in the form that they could remember and was possible to practice under those dire and deterring conditions. So, when we say "Tradition", it does not go back to the time of Zarathushtra or even to the time of the Sassanians, it goes back to the recollections of these ancestors and the manuscripts that had survived the Genocide and the atrocities of the Arabs, committed in the name of Islam.

WESTERN SCHOLARS

Western scholars have done an immense job, that helped revive the Zoroastrian community, for which they



should be commended. Martin Haug's timely discovery and translations of the Gathas in 1859-60 saved the community in India, who were under pressure from Christian missionaries to convert, especially the Scottish missionary John Wilson.

Western scholars believed and have made believe that Avesta was a dead language and could only be deciphered with the help of Sanskrit. Truly Sanskrit was very helpful but Avesta is not as dead as these "scholars claimed it to be. Many of the words are still in use today in the Zarathushti Dari language, some with a slight change in dialect. Other languages like the Kurdish, Lori and Tajik Persian also have words that have their roots in Avesta. The use of Sanskrit while helpful was also instrumental in introducing the very belief against which Zarathushtra revolted and was forced to leave his home.

THE BLUNDERS

The biggest blunder that has been committed by translators is the inserting of 353 times God in the 238 verses of the Gathas. This has been done by assuming that



Mazda - Ahura - Mazda Ahura and Ahura Mazda all stand for God. This has changed the very narrative of the Gathas and to make it sound right, each translator has under the pretext of grammar rhyme and rhythm, moved the words around and jumbled them up to make sentences that to the translator made sense.

Many of the later translators have merely paraphrased what they understood from reading a few translations of their choice. That is why no two translations are the same. To the general population, these translations have become part of their faith and they have developed self-convincing explanations around them.

THE SOLUTION

If except for "Ahura Mazda" which means God, we leave the individual components of the word untranslated, the need for moving the other words around does not arise and the rest of the sentence makes perfect sense. We then realize that in those contexts the words Mazda or Ahura individually, can not mean God. A few examples will

make it clear.

Ha 44.4 line 3 & 4 (In) Ahura (creation) no one holds The Earth down and the Sky from falling down

44.4 line 7- Good life Mazda (Wisdom) brings about through thoughts

44.7 last two lines - That Son, to father, is admirable, who in sincerity

Strives with Mazda (Wisdom) and good thoughts, for everything that he achieves.

28.1 - Mazda (Wisdom) is the first righteous gift of Asha Yasma 28.2- Truly, The Mazda Ahura (Wisdom in Creation) I shall acquire through the Good use of the Mind

Yasna 51.7 – Mazda (Wisdom) Gains strength and stability through Good thoughts.

When in the above sentences you replace the word Mazda with Wisdom and Ahura with Creation it makes perfect sense but if you replace them with God it would even sound blasphemous and so to make it less offensive the need to change the sentence would arise. Since the word "Ahura Mazda" appears only eight times, nearly every verse has been misappropriated by translators to accommodate God.

Another example of a consequential mistranslation is verses 30.1 and 30.2. Here most translators tell us there are TWO PATHS ONE GOOD AND THE OTHER EVIL and we have the freedom to choose either. Imagine choosing Evil under the banner of Zoroastrianism.

The "Two Paths" has been inserted by translating the word TA as THESE TWO. Now the same TA appears many times in different verses and is always translated as THESE except in 30.1. Further, the Avesta word for Evil does not exist in this verse in any form, it has been added in the translations. In reality, Zarathustra is listing the topics that he is going to speak of in the Gathas. He says, OF THESE SHALL I SPEAK, and then lists the topics as - Wisdom, Creation worthy of praise, Good creation of the mind and Good Mindset of Ashai.

At Ta Vakhsha Isanto
Now of these shall I speak to those eager

Ya Mazda ta Hayat cit Viduvshe Stao ta
Of (that) wisdom, that all the wise wish

Ca Ahurai Yesnya
And creation worthy of praise

Ca Van Gheush Man angh
And the good creation of the mind

Voho Man Zdra Ashai
The good mindset of Ashai

Ca Ya Ra oj Bish
And that more and better ways

Da resa ta Urva za
Are discovered towards bliss.
Gatha – Yasna 30.1 (FR)

There is no mention of Evil in this verse, it is about achieving bliss.

In 30.2 we are told to listen to the BEST (Can there be Evil among the Best?) and from among the various paths choose that which suits our temperament and pursue it. When from among the best you choose a profession that your heart desires, you are bound to be successful and happy.

Another flaw is the personification of what we call the Amasha Spantas. Here is a translation of Yasna 28.3 by a respected scholar who like many others has personified them.

O Righteousness and Good Mind
I shall sing your praises none has sung before
I shall likewise praise the Wise God
And those for whom Serenity promotes
The unconquered domain
Respond to my call for help.

Now let us try a word by word translation of the same verse

Ye Vaio Asha Ufyani
Truly, the Asha (2) derived

Manas ca Vohu
By the Good Mind (1)

Apaourvim
Never before known

Mazdam Ca Ahurem
Among the wise and all creation

Yaeiby Khashtrem ca Ayzaonvamnem
With it make Good Rules (3) and never waning

Varedaiti Armaitish
Increasing Righteousness (4)

A Moi Rafedrai Zeveng Jasata



Leading us towards Perfection (5)
Gatha -Yasna Ha 28.3 (FR)

This verse can now be categorized as “The Teachings”; Instead of portraying a helpless and confused Zarathushtra promising to sing the praise of the deities and in return receive help.

It acknowledges that we humans are not perfect but have the potential and need to evolve towards perfection, and gives five of his seven-step formula.

1. VOHU MANA - Good Mind -Use your Good Mind to inquire and learn the
2. ASHA VAHISTA - Ultimate Truth -the Laws of Nature- Use them to make
3. KHASH ATRA VARIYA- Good Rules -Good Laws-Good Products - Which will lead to
4. SPANTA ARMAITI- Lawful Desire - Righteousness -that will pave the way toward
5. HURVATATA- Perfection -Mental, Physical and Spiritual -which will lead to
6. AMERETATA- Immortality - (a) After Death being remembered for your good work for generations (b) In Life by losing the fear of Death -resulting in oneness with
7. AHURA-MAZDA -Creator of Wisdom-Khod-Ah through Self Realization KHOD=Self AH=to come.



be forgotten and an evil deed will not materialize.

CONCLUSION

The Teachings of Zarathustra, the Gathas, is about The Truth. To believe in the likes of Tooth Fairies and Flying Reindeers you need only Ears, you believe what you hear. To understand and follow the Gathas, you need all your senses and have to use them with Wisdom to realize the Truth.

http://ahura.homestead.com/files/GENOCIDEofZarathushtiesWEBJULY07_2_.pdf

<https://iranicaonline.org/articles/hataria-manekji-limji>.

http://ahura.homestead.com/files/IranZaminOne/F_Benevolent_P_Empire.pdf

The Riwayat's are series of questions send to the Zarathushtis in Iran from India by the Parses and the answers send back by the Zarathushtis of Iran.

http://ahura.homestead.com/files/GENOCIDEofZarathushtiesWEBJULY07_2_.pdf

The oldest manuscripts in hand is from the 1323 CE.

<https://iranicaonline.org/articles/haug-martin>

https://www.booksofasia.com/stock_detail.php?stockid=200482

In the Gathas, we have 164 times Mazda, 131 times Ahura, 50 times Mazda Ahura and only 8 times Ahura Mazda.

http://ahura.homestead.com/files/Gathas/GATHAS_OF_ZARATHUSHTRA.pdf

The meaning of the individual words used below is adapted from Dr. Irach Taraporewala and Mobed Pirouz Azargoshasb's translation of the Gathas. <http://ahura.homestead.com/Gatha.html>

<https://www.zoroastrian.org/GathaSongs/song01.htm>

Gatha Yasna 28.10 Their desire assuredly Happiness, Their reward, knowledge and being known as righteous, faithful and are praiseworthy.(6)

Note: An important point to note is that in ancient languages, the vocabulary for natural phenomenon's was better developed just like today our vocabulary for technical terms has developed. As a result, we do not have the right words in English and use the same word for many different aspects of a natural phenomenon. For example, we have different types of "Screwdriver" Flathead, Phillips, Hex, Torx or Robertson they are all screwdrivers but are different. Similarly, certain Avesta words are different aspects of a phenomenon but we don't have the corresponding word in English. Asha, Ashem, Ahura, Ghuesh are like the different screwdrivers.

Gatha Yasna Ha 44.18



Fariborz Rahnamooon was born in Yazd; he was educated in a catholic school in Bombay, which led him to research his own religion at an early age. He has a unique perspective on the Zarathushti religion and history, which is a result of over 40 years of research. He says; "the Zarathushti history that has come down to us has been written by its adversaries over the last 2000 years and the Avesta has been deciphered and translated by Western scholars thereby leading us astray." His finding and views are available on his website. www.ancientiran.com

Due to personification, we have also lost the very verse that has given the maxim of Good Thoughts Good Words Good Deeds and the inspiration for Ashem Vohu (Good Ashem).

Ya Aish Ashem
When in pursuit of Ashem

Nipaghe Manas Ca Vohu Yaveetaite
Keep your Thoughts Good forever

Tvem Mazda Ahura
In Harmony with the Wisdom in Creation

Fro Ma Sisah Twahmat Vaocanghha
Train yourself to declare

Manyeus Haca Twa Aeaionghha
those thoughts by words of mouth

Yaish aa Anghush Pouruyo Bavat
For that's when creation first comes into being
Gatha - 28.11 (FR)

This verse is what everyone in pursuit of knowledge should follow. Only those thoughts which are in harmony with Nature are Good Thought and should be converted into words, the moment you convert thoughts into words the foundation of the Good Deed/product is laid. On the flip side by not converting a bad thought into words, it will

Not Just an Insurrection

Roya Behmardian

For 28 years of my life, I had no idea what an insurrection was. My parents, in fact, my parent's entire generation, can't say the same thing.

I called my mom on January 6th after learning what happened at the U.S. capitol. I was expecting to share common sentiments of shock and outrage. Instead, something different happened. "Maman joon," she said. "Watching people try to climb over that wall took me back to Iran, right before the revolution. I have been crying all day."

It dawned on me that anyone who was watching the news right now, and had also experienced living in a country undergoing revolution, war, or any other form of government takeover, was suddenly retraumatized.

After that phone call, all I thought about on my drive home was how it must feel to watch people storm the government building of the country you fled to for freedom; one you came to partly or perhaps wholly because the same thing happened in your home country. It was hard to imagine, and it still is.

My mom always sang me the song Kohan Diyar by Darius when I was a kid. I only recently learned that it's a song about "vatan," or "homeland," and not knowing what to do or where to go once the essence of that country is taken away. This is the song my mom would sing to me every night, and something as simple and beautiful as Kohan Diyar helped me realize not only the gravity of what happened in Iran, but also the significance of January 6th.

Dave Chappelle, in his Netflix special "Equanimity," gave his audience a powerful history lesson about a 14 year old black boy named Emmet Till. He was murdered by white men for "whistling at a white woman." Given the problematic nature of that fact alone, it turns out, that white woman was lying, and it didn't even happen.

"You realize that this woman lied, and that lie caused the murder. But that murder set in motion a sequence of events [The Civil Rights Movement] that made my wonderful life possible; that made this very night possible. How could this be that this lie could make the world a better place? It's maddening. And that's how I feel about this president. I feel like this [...] might be the lie that saves us all" (Chappelle, Equanimity, 2017).

That day of the insurrection has been a deeply dark moment for our country. It's difficult to make any sort of cohesive meaning

from it all, maybe one reason is because, at this moment in time, we're all still standing, as Chappelle Referenced, "too close to the elephant" to see the big picture. It might be impossible to see that big picture right now, and that's okay; it hasn't been completed yet.

During the times in which I'm feeling my lowest, my natural inclination is to ruminate in my sadness. But, as I've learned more about myself and if I'm lucky enough to find strength in those moments, I can remind myself that it is in those moments of darkness that beautiful things can emerge. And, they usually do. "The truth is that our finest moments are most likely to occur when we are feeling deeply uncomfortable, unhappy, or unfulfilled. For it is only in such moments, propelled by our discomfort, that we are likely to step out of our ruts and start searching for different ways or truer answers" (M. Scott Peck). I don't know if any good will come from the implications of what an insurrection signified, but what I do know is that it doesn't hurt to believe that something more just, more beautiful, and more true could happen as a result of the pain, hatred, and anger that lead up to, and inevitably still surrounding that day. It doesn't hurt to believe that we can, by way of being "propelled by our discomforts," find more novel and authentic solutions to our deep rooted, systemic problems.

40 years ago, a generation of Iranians felt like their homeland was taken away-- and in so many ways, it was. I won't ever pretend to know what that feels like, but what I do know is that through music, stories, and an active effort to preserve culture, my parent's generation kept a very real part of their country alive--that in itself is beautiful. I hope that the country they and so many other immigrant families came to, to seek freedom, never gives them a reason to repeat what they had to do before. I hope the country they sought for opportunity, instead of retraumatizing once again, shows us all that we can emerge new and better after our low points. It might take a lot of time, but somewhere out there is a bigger picture--one that can only be determined by how we collectively respond to our feelings of discomfort; the type of bigger picture that can result in deep, true, meaningful, change.



Roya Behmardian

was born and raised in Southern California. She has attended CZC's Persian and religious classes all through her childhood. She graduated from UCI with a Masters of Art in teaching and is currently an elementary school teacher

Ask Nahid

Dear Nahid,

I am having a hard time right now since losing friends to COVID, being isolated during this pandemic, and having classes change to online forums - I don't know who to talk to and I don't want to say anything to my family without causing worry. Why can't I snap out of it and just be normal again?

Shayan

Dear Shayan,

I am grateful to you for writing in on this topic and opening up the discussion. There is nothing abnormal about how you are feeling right now. I know many people who are feeling the same anxiety, sadness, frustration, and hesitation you are feeling now. There is currently a wider concern for the mental wellbeing of many in the world due to this pandemic and global uncertainty. So why aren't we talking about it together? There is no "snapping out" of sadness, or depression. It takes work and realizing you want to talk to someone is the best step to putting the work in to get back to being happy.

Addressing mental health and depression has improved gradually over the years but we are still working towards getting the negative stigma removed from seeking mental health advocates or simply talking about being sad. There should be no negative connotation to needing medical check-ups for our brains, as we do for our hearts or our lungs or our hands and feet. Most of the time our bodies work well and we are healthy but our bodies change and we go through emotional or physical traumas which can cause changes in how our brains function just like our hearts, lungs, hands and feet would also change after a physical trauma. So why not treat our brains like the muscles they are and take care of them?

Now if you want to think about mental health in terms of our beautiful religion – I would say that focusing on our mental health is our number one priority. For Zoroastrians our core principle of being Good begins with Good Thoughts. It comes first in our core beliefs. Humata, Hukhta, Havareshta. Gofar-Nik, Pendar-Nik, Kerdar-nik. Manashni, Gaveshni, Koneshni. You have to have Good Thoughts as a seed to grow your Good Words or Good Deeds. By cultivating our mental health and making sure we are doing well, we are taking care of our Good Thought makers – our brains.

Good thoughts are shaped through our collective community values, our daily interactions, events that occur in our lives

and the lives of others we are close to. At times our brains might start to think differently as it becomes affected by all the news, the experiences, the traumas in life and we need help moving past those and getting back to Good Thoughts again. There are also many different mental disorders that affect us with or without trauma. People's bodies change throughout the years. Our brain is a muscle that needs to be taken care of just like our bodies. So why not have check-ins with mental health professionals when you are not feeling at your best?

As a global community we need to do better. We need to be responsive and reach out to our friends and loved ones and actively ask how they are feeling. When you ask someone "How are you?" do you wait for the response? Do you allow them to just say "ok." and then keep on with the conversation? Don't wait for someone to tell you they need help. Check in with your friends and family members. Don't accept an answer of "I'm fine." I implore us all to take the time and give people a chance to really tell us how they are doing. Even if we have to ask again emphasizing that we are there to truly hear how they are feeling. You might be surprised what you hear and what you are able to help out with. Or maybe how much you feel the same way.

If you or anyone you know needs to or just wants to reach out and talk to a professional, below are a few resources you can contact. Many insurances cover mental health and have resources you can lean on to find a professional in your area. It is time to get conversations started. Let's truly see each other for our struggles and help each other plant the positivity we need to make all our thoughts as Good as we can – together, with all the help we need.

Mental Health America: <https://mhanational.org/> Provides information and details on professionals of all backgrounds in your area.

Crisis Text Line: if you are not comfortable yet speaking to someone you can text MHA to 741-741 and a trained counselor will respond back.

National Suicide Prevention Lifeline: 800-273-8255 Call this number to talk to any professional



Nahid Dashtaki completed her master's in both Dispute Resolution and Public Policy from Pepperdine University. She has received two Bachelor of Science degrees in International Relations and Comparative Literature from the University of California, Irvine along with extensive international work experience in the Middle East and Asia

"This article has been reproduced from <https://thesecondangle.com/persian/> and is hereby acknowledged as the source of this article."

The Pompous Legacy Of The Persian Language In India

From to 'Hind' and 'Hindustan' to 'Chashma' and 'Biryani', the words you know and the language and history you don't. Persian

"The best memory is that which forgets nothing, but injuries. Write kindness in marble and write injuries in the dust."

This is not a quote without context. The India of today (2021, can you believe it!) often forgets its own history, and it is understandable to forget what hinders in the process of moving on. The seasons, clocks and life itself teaches us the art of moving on, but only if we are observant enough. Often, forgetting the ingredients of the dish can make the taste fade in due course. Such is the status of Persian language in India, we eat it, drink it, smoke it live it but are seemingly ignorant about it.

Credits: History.com

Persian or Farsi was brought to the Indian subcontinent in the 13th century by the Persian rulers of Central Asia. In fact, the word Hindu, connoting people living in a geographical region beyond River Indus, is of Persian origin.

The language was not only the lingua franca of the classes just like English in the India of today — but also the language of artistic literature and philosophy. So is the word Hindavi, which later evolved into Hindi, used for the language spoken by the people in large parts of this land. After being the major language almost throughout the medieval era of Indian history in communication and literature, the language was replaced by English in the late 19th century. And now it faces infamy or stupor.

All through the Islamic conquest of Persia in and around the mid-7th century, the Parsis took shelter in Gujarat and parts of western India to avoid religious persecution. And that is how Farsi made its way into India. Persian language, with pre-historic roots in southwestern Iran, is one of the oldest Indo-European languages. The Arabs captured Persia but were unsuccessful in imposing Arabic on the

conquered.

The Persians were compelled to accept the Arabic script but did not surrender their language. Instead, Farsi turned into a prominent cultural language in most of the largest empires in Western Asia, Central Asia and South Asia. Newer literature, especially Farsi poetry, started developing as the part of the court traditions in the eastern empires. Thus, Farsi became a vehicle of cultural conquest defying Arabic political hegemony. As a result, some of the classics of literature, such as Rumi's Mathnawi, Firdausi's Shah-Nama, Omar Khayyam's Rubaiyat, Hafez's Divan and Saadi Shirazi's Gulistan, were written in Farsi in the medieval period. Farsi also became the vehicle of Sufi mysticism and theology, flouting all orthodox religious boundaries.

Credits: Mohamushkil.com

Its secular, liberal and strong cultural links helped Farsi survive political threats from Arabic and other languages. Even rulers of Turkish-Afghan origin in medieval India, including those of the Delhi Sultanate and the Mughal regime, accepted it as the language of the court and diplomatic discourse. In fact, they chose Farsi rather than their mother tongue Turkish, or Arabic.

Persian flourished in the Indian subcontinent, unlike in northern Africa where the conquered nations fell to the dominance of the Arabic language enforced upon



them by the ruthless and powerful Arabs. Patronage of the language stimulated the flow of Persian texts and Persian speakers who were mainly soldiers, merchants, bureaucrats, scholars, poets, Sufi saints, artists and artisans to South Asia between the 11th and 18th centuries.

The decision to incorporate Farsi was in reality, a political move by the monarchs to get the better of the orthodox

ulemas or Muslim theocrats who were mostly proponents of Arabic and Turkish. Irrespective of their ethnic, religious or geographical origin, these migrants from central and western Asia had skills in Farsi that would help them earn a livelihood in courts and bureaucracy.

Farsi reached its pinnacle in south Asia when Mughal emperor Akbar established it as the official or state language in 1582. Mind you, this was despite the fact that the Mughals were native speakers of Chagatai Turkish. Akbar used the language as a tool to knit together diverse religious and ethnic communities in his court as well as his burgeoning kingdom, culturally.

Not just Muslim aristocrats, but also scribes of upper-caste Hindu lineage — Brahmins, Kayasthas and Khatris — who served as clerks, secretaries and bureaucrats, learnt the language and got acculturated in Persian etiquette for social mobility. Ghazals, nazms and qawwalis (at Sufi shrines) in Farsi were wholeheartedly accepted as forms of literary and musical expression by the educated of all faiths and ethnicity.

Akbar and Jahangir commissioned Persian translations of the Ramayana and the Mahabharata. Dara Shikoh went a step further when he took up the task of translating the Upanishads into Persian, aided by veteran bureaucrat Chander Bhan. Persian romances, such as Laila Majnu and Yusuf Zuleika, were translated into many Indian languages. The medieval Bahamani Sultanates and successor Deccan Sultanates and even the Hindu Vijayanagara kingdom had highly Persianised culture. The Sikh gurus as well as the Maratha ruler Shivaji were well-versed in Persian. The language had been used by the Bengal Sultanate as one of the court languages and in the chancery's administration mainly in urban centres in Gaur, Pandua (today's Malda), Satgaon (a port in Hooghly) and Sonargaon (near Dhaka), long before the Mughal period.

One of the principal patrons of Farsi in the early 15th century Bengal was Sultan Ghiyasuddin Azam Shah who



established contact with the legendary Persian poet, Hafiz. Poet Alaol composed literature in the language and translated Persian classics into Bengali.

Royal patronage encouraged a section of non-Muslim elites in Bengal, especially the Bengali Hindu gentry and aristocracy, appropriate aspects of Persian culture, such as dress, social practices and literary taste. Rammohun Roy wrote treatises in Persian and started India's first Persian newspaper Mirat-ul-Akhbar in 1823. The country's first Persian printing press was also set up in Calcutta.

In the initial phase of the British administration, Persian was used as the language of the courts, correspondence and record-keeping. Governor-General Warren Hastings, well versed in the language, founded the Calcutta Madrasa where Persian, Arabic and Islamic Law were taught. The remnants of Persian judicial terms adalat, mujrim, munsif and peshkar are still used in courts across India.

The sharp decline of Persian began when English was made the language of governance through Lord Macaulay's education policy in 1835. The emergence of vernacular languages, especially Urdu, ushered in further decay of Persian.

Credits: riaan.tv

Persian was, after all, a foreign language of the privileged and royal. Urdu first emerged as the common language of soldiers of mixed origin (Mughals, Rajputs, Pathans, Turks, Iranians, etc.) in the Mughal camp, and then became a language of the multitudes. Urdu took shape as a mixture of Persian, Arabic and Turkish words formed with the intermingling of invading Muslim armies and local Hindi-speaking Hindus.

It's a Turkish word which means Army camp, hoard, etc. The most popular theory that many historians ascribe to is that Urdu evolved with multiple contacts from Persian and Turkish invaders, and thereafter developed during the reign of the Sultans of Delhi as well as the period of the Mughal empire. Urdu borrowed elements from Persian — idioms, styles, syntax, script — and mixed these with the local dialects, such as Poorvi and Brajbhasha.

Persian is a language that has challenged all borders and divisions. It's an impartial language of poetry, philosophy and culture that has integrated political and partisan divisions for around a millennium now and shall keep its contribution to the languages of the subcontinent across multiple countries. Upholding its greatness is a fitting tribute to the legacy and impact it has had on India and its languages and will go a long way in understanding a real perspective about the combined past of our country and its neighbours.

Jashn-e-Bahmangan

by Mobed Kerman Katrak

Bahmangan was celebrated at the Mehraban Guiv Darbe Mehr, Toronto, Canada on January 16, 2021.

The Festival started with a short introduction, prayers and explanation in Farsi and English by Mobed Kerman Katrak, who has been performing all Religious/Cultural events since the last 33 years in Toronto.

Bahman is also the name of one of the Archangels of Zoroastrianism which is called Vohuman or Vohu-Mana in Avesta; meaning intellectual mind. It refers to the good moral state of mind that enables an individual to accomplish his duties. This Archangel also protects the



animal kingdom.

In ancient Iran, festivities to celebrate this day took place among common people as well as royals and noblemen. The festival is recorded by many authors including Biruni, Asadi Tusi, Anwari and many others. According to Biruni, in Khorasan, an assortment of all sorts of grain and vegetables, were cooked and served to everyone. A common practice belonging to this day was cooking

Ash - a kind of Iranian soup like stew - namely Ash-Bahmangan, prepared from all kinds of available grains, vegetables as a sign to give thanks to our God, Ahura Mazda.

Respecting Bahman, as the Archangel protecting the animal kingdom, people do not eat meat on this day. It was usual to wear new clothes for this festival. Today, the modern day Zoroastrian-Iranian festival of Bahman-Rooz continues to be a holy day for Zoroastrians everywhere in the world.

Bahman Plant: This plant is the same as the equivalent

modern Persian term Zardak-e Sahrayi, which blooms in the month of Bahman. It has a red or white root. Since it was a medical plant, it is mentioned in medical texts from which it passed into Latin and in the form béhen into French. Two varieties, béhen rouge and béhen blanc, are found and still used in medicine. In some parts of Iran, Bahmangan is celebrated as Fathers' day. In this ceremony, participants stand side by side, join hands and recite prayers.

Thanks to Farrokh Farahdian, our Darbe Mehr

Custodian, Kanoun for bringing all the items required for the ceremony, Pedram Yazdani for his professional technical help and Soheila Shidfar for the set-up of the Bahmangan Table and being the main co-ordinator of the event.

Please click or paste this link for watching the full video of this event: <https://www.youtube.com/watch?v=NkWGw73ZHxc&feature=youtu.be>



Jashn-e-Sadeh Virtual Celebration

Mobed Kerman Katrak

Jashn-e-Sadeh Virtual Celebration took place at the Mehraban Guiv Darbe Mehr, Toronto, Canada, on January 30, 2021 at 6:30 pm EST.

The program started with a short prayer by Mobed Kerman Katrak and included, children and adults singing, dancing, Farsi poetry and laughter.

Thanks to our hosts Mandana Bastani and Bahram Jam for keeping us entertained. Our IT Professional, Pedram Yazdani, video editing by Roxana Jam, setup of Jashn-e-Sadeh Table by Parvin Mehraein, all the participants who contributed their time and talent, and Kanoun for organizing this wonderful event.

A full video of the celebration can be viewed on YouTube. <https://youtu.be/yjSVq8jF4DY>



Looking for sell or buy your dream home?

ARMIN GHAIBY

Real Estate

Commercial and Residential

(949) 266-6565

HOMESMART Evergreen Realty BRE# 01927203